

گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی

6 اکتبر 2016

پیشگفتار مترجم : ده بخش مقاله مائل آلبرکا که از نسخه منتشر شده در سایت انویستیگ آکسیون به فارسی ترجمه کرده ام در اینجا به انضمام دو مقاله قدیمی دیگر (مارس 2012) در رابطه با همین موضوع «پشتیبانی فرانسه از تروریستها» گردآوری و به شکل پرونده پی دی اف ارسال می دارم. لازم به یادآوری می دانم که این مقالات پیش از این در سایتهای پشتیبان منتشر و در این پرونده تاریخ انتشار آنها حفظ شده است.

با توجه به رسانه های حاکم غربی که بردار تحریف تاریخ هستند، آگاهی از رویدادهای معاصر با مراجعه به سایتهای آلترناتیو بسیار ضروری بنظر می رسد، خاصه برای ما ایرانیها زیرا اپوزیسیون های ایرانی حاضر در فرانسه نیز به شکل گسترده به همین واقعیت «پشتیبانی از تروریسم» تعلق دارند، و با توجه به اختناق نظام سرمایه داری وابسته و سلطه دین سالاری و در نتیجه ممنوعیت نقد و پژوهش واقعاً علمی (به دلیل حکم ارتداد - که بعداً در مقاله دیگری به شکل مفصل به تحلیل آن خواهم پرداخت) در ایران موجب شده است که تبلیغات پوشالی اپوزیسیون های «**عصر روشنگری**» در اذهان عمومی ایران نفوذ کند. بی گمان تبانی جمهوری اسلامی ایران با اپوزیسیون های «عصر روشنگری» در فرانسه و بطور کلی در غرب چندان جای شگفتی ندارد زیرا هر دو برای حاکمیت پدر سوختگی یعنی لیبرالیسم می کوشند. همین مدیریت تروریسم فرهنگی و یا ناتوی فرهنگی موجب شده است که مردم ایران از خود مردم فرانسه وقتی که از «عصر روشنگری» و چگونگی برپا شدن جمهوری در فرانسه حرف می زنند چیزی بگوششان نرسد، چون که نمایندگانشان در میان فرهنگی ایران و جهان همین بشقاب دزدهای «درباری» بوده اند. در نتیجه پشتیبانی فرانسه از تروریسم شاید ریشه در جای دیگری نیز داشته باشد، و آن هم به اصطلاح انقلاب کبیر فرانسه 1789 است (؟) که البته چنین موضوعی به بررسی های مائل آلبرکا در اینجا ارتباطی ندارد، و برای درک چنین موضوعی باید در جای دیگری به جستجوهایمان ادامه دهیم.

حمید محوی/پاریس/6 اکتبر 2016

گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی

17 ژوئن 2016

فرانسه، پشتیبان تروریستها؟ اسلحه، آیا اسلحه می خواهید، این هم اسلحه! بخش 1

مائل آلبرکا

Maël Alberca

24 مه 2016



7 ژانویه 2015، 13 نوامبر 2015، 22 مارس 2016، برای همه اروپائیها عملیات تروریستی در پاریس و بروکسل روزهای جراحی بار عمومی را در حافظه تاریخی شان به ثبت رسانده است. با وجود این، هر روز طی عملیات نظامی که به نام مبارزه علیه تروریسم در جهان به اجرا گذاشته می شود، در عراق، سوریه، لیبی، یمن، افغانستان،

پاکستان و امثال اینها، خسارات جانی خیلی بیش از اینها بوده و موجب مرگ انسانهای بی گناه شده است.

کشورهائی که با یک دست علیه تروریسم می جنگند و با دست دیگر از آن پشتیبانی می کنند، بی گمان، فرانسه یکی از مسئولان چنین وضعیتی است. در اینجا، اثبات چنین واقعیتی را در ده بخش بررسی می کنیم.

«همه جا همان ساختار هرمی شکل بر پا شده، همان آئین رهبر نیمه مقدس، همان ساختار اقتصادی که وجودش به تداوم جنگ بستگی دارد. [...] یعنی ساختاری که مازاد تولید محصولات مصرفی را از هم میدرد و در حفظ و حراست از فضای فکری خاصی می کوشد که جامعه هیرارشیک (طبقاتی) بدان نیازمند است. [...] آگاهی به این امر که در جنگ به سر می بریم، به این معناست که در خطر هستیم، موجب می شود که تصاحب قدرت به دست بخش کوچکی از جامعه شرط طبیعی و اجتناب ناپذیر برای تداوم حیات توجیه یا تعبیر شود. [...] اهمیتی ندارد که جنگ واقعاً به وقوع پیوسته و یا اعلام شده باشد، و به این علت که هیچ پیروزی قطعی نیز نمی تواند وجود داشته باشد، اهمیتی هم ندارد که پیروزمند باشد یا نه. موضوع مهم این است که وضعیت جنگی وجود داشته باشد.»

جرج اورولز، 1984

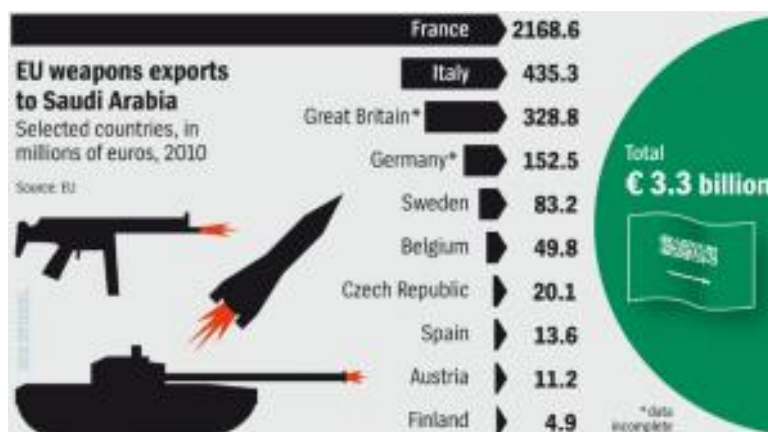
George ORWELL, 1984

از تاریخ سوء قصدهای 13 نوامبر 2015 در پاریس، میزان ارزش بورسی گروه تالس Thales یکی از تهیه کنندگان اصلی تجهیزات الکترونیک ارتش فرانسه تا 3% افزایش داشته، در حالی که سهام بازار بورس فرانسه کک کرانت CAC 40 رو به کاهش داشته است. [...] سهام ریتوین Raytheon (+3,41%)، نورثروپ گرومن Northrop Grumman (+5,75%)، لاکهید مارتین Lockheed Martin (+5,25%)، سازنده هواپیماهای جنگی، موشک، و یا تجهیزات امنیتی سایبری افزایش چشمگیری در ایالات متحده آمریکا داشته اند (1).

فرانسه در بازار فروش اسلحه

فرانسه در بازار فروش اسلحه بین سومین و چهارمین رتبه (پشت سر ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و روسیه) قرار گرفته است. از سال 2012 تا 2013، صادر کنندگان سلاح فرانسوی تا 42% افزایش داشته اند و از سال 2013 تا 2014 به میزان 18% بالا رفته اند. در اول ماه اکتبر 2015، فرانسه پشت سر ایالات

متحدۀ آمریکا و جلوی روسیه به رتبهٔ دوم بین صادرکنندگان اسلحه در جهان دست یافته است (3). ارتقاء فرانسه در عرصهٔ فروش اسلحه به یمن گسترش فروش اسلحه به عربستان سعودی ممکن شده است، حجم قرارداد اسلحه با این کشور مشتری در سال 2014، 3,63 میلیارد دلار بوده است.



در سال 2010، فرانسه در سطح کشورهای اروپایی، مهمترین فروشندهٔ اسلحه به عربستان سعودی بوده است.

(مترجم : در تصویر بالا که احتمالاً در سایتهائی مثل مجلهٔ هفته نمی تواند منتشر شود، کل معاملات اسلحه با عربستان سعودی 3.3 بلیون یورو اعلام شده، در نیم دایرهٔ سبز، و بلیون یعنی هزار میلیارد، 3300000000000 رقم نجومی باور نکردنی بنظر می رسد، هر چند که بر اساس گزارشات دیگر می دانیم که حجم فروش اسلحه در جهان حدود 5 میلیارد دلار در روز است. در نتیجه این رقم تردید آمیز و اغراق آمیز بنظر می رسد. مسئولیت آن به عهدهٔ نویسنده است)

عربستان سعودی در حال حاضر از این جنگ افزارها در جنگ علیه یمن و شیعیان زیدی من (حوثی ها یا جنبش انصار الله) بکار می برد. بمب های سعودی، که برخی از آنها ساخت فرانسه است، هر روز از غیر نظامیان قربانی می گیرد. برای مثال، در 17 ژوئن 2015 در نزدیکی عدن : طی دو حملهٔ هوایی از سوی عربستان سعودی 31 نفر از جمله تعدادی زن و کودک کشته شدند(5). در بمباران روز 15 مارس 2016 در بازار یمن 97 نفر غیر نظامی کشته شدند که 25 نفر از آنان کودک بودند (6). البته اینبار بمب های پرتاب شده ساخت آمریکا بود.

در کل بیش از 5700 شهروند (830 زن و بچه) بین مارس و نوامبر 2015 در یمن کشته شده اند (7). سخنگوی وزارت بهداشت یمن Tamim Chami در ژانویهٔ 2016 رقم 23900 نفر را اعلام کرد که غالباً در بمبارانهای نیروی هوایی عربستان سعودی کشته شده بودند (8).

علاوه بر این، برای فرانسه ناممکن است که بتواند مقصد نهائی جنگ افزارهای فروخته شده اش را بررسی کند، در حالی که عربستان سعودی رسماً از گروه های سلفی جهاد طلب در سوریه پشتیبانی می کند (بخش 5 این مقاله به بررسی همین موضوع اختصاص دارد).

Notes:

[1] . Pierre HASKI, « [Le malheur des uns fait le bonheur des marchands de canons \(et de leurs actionnaires\)](#) », *Rue89.nouvelobs.com*, 16 novembre 2015, à partir de l'article de Glenn GREENWALD, « [Stock Prices of Weapons Manufacturers Soaring Since Paris Attack](#) », *Theintercept.com*, 16 novembre 2015.

[2] . Sébastien LERNOULD avec Victor ALEXANDRE, « [La France n'a jamais autant exporté d'armes](#) », *Leparisien.fr*, 2 juin 2015 & « [Rapport au Parlement 2015 sur les exportations d'armement de la France](#) », *Defense.gouv.fr*, 2 juin 2015.

[3] . Alexandre KARA, « [Ventes d'armes : 2015, une année record pour la France](#) », *Europe1.fr*, 1^{er} octobre 2015.

[4] . Sébastien LERNOULD avec Victor ALEXANDRE, *Idem*.

[5] . « [Nouvelles victimes civiles d'un bombardement saoudien au Yémen](#) », *Lemonde.fr*, 17 juin 2015.

[6] . « [Des bombes américaines utilisées dans des raids très meurtriers au Yémen](#) », *Rfi.fr*, 7 avril 2016.

[7] . « [La guerre civile au Yémen a fait 5700 victimes depuis le mois de mars](#) », *Jeuneafrique.com*, 27 novembre 2015.

[8] . Bahar KIMYONGÜR, « [La paix au Yémen, garantie de notre sécurité](#) », *Investigation.net*, 18 février 2016.

- See more at: <http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-des-armes-en-veux-tu-en-voila-110/#sthash.T8IFZ22I.dpuf>

لینک متن اصلی :

<http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-des-armes-en-veux-tu-en-voila-110/>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی

19 ژوئن 2016

فرانسه، پشتیبانی از تروریستها؟
جنگ افزار فرانسوی در دست تروریستها

بخش 2

مائل آلبرکا

Maël Alberca

26 مه 2016



ساخت فرانسه

در حالی که فرانسه فجیع ترین عملیات تروریستی که تا کنون هرگز روی نداده بود را در نوامبر گذشته در خاک خودش تجربه می کرد، در منطقه دیگری از جهان، گروه های تروریست سلاح های ساخت فرانسه را بدست داشتند. 40% از سلاحهای توقیف شده از مبارزان بوکو حرام توسط ارتش چاد ساخت

فرانسه بوده است. این سلاحها چگونه بدست تروریستها رسیده است؟ در اینجا به این پرسش پاسخ می‌گوئیم.

روز 4 مارس 2015، وزیر اطلاعات چاد حسن سیلا بن بکری در بازدید از کامرون (1) اعلام کرد که « 40% سلاحهای توقیف شده از مبارزان بوکو حرام توسط ارتش چاد ساخت فرانسه بوده است. وزیر چادی اضافه کرد: «کشور من این تصاویر را نشان داد و به افشای آن ادامه خواهد داد تا به سازندگان آن نشان دهد که این سلاحها در جایی نیستند که باید باشند (2). پاریس آیا صدای من را می‌شنوی؟ توئی که اخیراً حمله تروریستی مرگباری را بخود دیده ای و دولت اسلامی نیز آن را به عهده گرفته است، آیا به همین اندازه از مرگ بی‌گناهی که با سلاحهای ساخت تو در نیجریه و کامرون کشته شده اند متأثری؟»

آلن شویه Alain Chouet، رئیس قدیمی سرویس اطلاعات امنیتی DGSE (اداره کل امنیت خارجی- در فرانسه) در سال 2000 و 2001 اعلام کرد که رژیمهای سلطنتی نفتی خلیج (فارس) که جمع دوستان صمیمی فرانسه را در این منطقه تشکیل می‌دهند، همانهایی هستند که گروه تروریستی بوکو حرام را با دلارهای نفتی شان تأمین مالی می‌کنند: «قطر و به ویژه عربستان اقتدارشان را روی اسلام بنیانگذاری کرده اند و این کشورها مجبورند با هر گونه نقد و رقابتی در رابطه با اصولگرایانه ترین قرائت این مذهب مقابله کنند. با رقیبی مثل ایران، سیاست دائمی شان کنترل اسلام در سطح جهانی بوده و تحقق این امر را نیز با امکاناتی که به اندازه کافی در اختیار دارند، یعنی پول تضمین می‌کنند. این کشورها نسبت به همه حرکات اصولگرایان محلی که بتواند اقتدار آنها را به مخاطره بیاندازد و یا قانونیتشان را خدشه دار کند حساس هستند، و به یمن درآمدهای نفتی سیطره و کنترل خودشان را حفظ می‌کنند. این است دلایل بالا گرفتن اسلام مبارز در سطح جهانی، و همه عواملان محلی پی بره اند که هر چه بیشتر روی اصولگراییشان پافشاری کنند، بیشتر مورد عنایت پول رژیمهای سلطنتی وهابی قرار خواهند گرفت(3).»

درباره پیدایش بوکو حرام در نیجریه، آلن شویه در یک مقاله دیگر می‌گوید: «بیم رژیمهای سلطنتی - نفتی عرب و احتمالاً مشتریان آن بود که نیجریه از زیر سیطره نفوذ اسلامی که ریاض مبشر و مفسر آن است خارج شود و خلاف جهت منافع اکثر اعضای اوپک حرکت کند و تحت تأثیر دینامیسم جنوب نیجریه، در پی استقلال اقتصادی و سیاسی باشد. در نتیجه باید از هر گونه خطری جلوگیری می‌کردند که نیجریه از الگوی ایران (دومین صادر کننده نفت جهانی) یا ونزوئلا پیروی نکند و طرح های «جدائی طلبانه» و از همه بدتر طرح ماجراجویانه برای ملی کردن نفت را به ذهنش راه ندهد، و یا با رعایت نکردن قواعد آنان از میزان تولید برای حفظ دائمی بهای بشکه نفت و از

حداکثر بهائی که از دیدگاه بین المللی قابل تحمل است فراتر برود، و یا از پذیرش پرداخت پول نفت به دلار سرپیچی کند یعنی روندی که به ایالات متحده اجازه می دهد تا قرض سنگین داخلی اش را به خارج صادر کند. [...] بیش از پیش با دقت بیشتری از رفت و آمدهای بین ریاض و کانو(شهری در نیجریه)، و چمدانهای انباشته از دلارهای زیبا یاد می کنند. [...] بیش از این حاملان چمدان بدست را در سودان، افغانستان، لیبی، سوریه، مالی، تونس و در جاهای دیگر و هر جایی که عربستان و قطر برای منافعشان ضروری می دانستند دیده بودیم. ابوبکر شکاؤ (رهبر شبه نظامی بوکو حرام) پس از ضربه سیاسی و قاطعی که به رئیس جمهور گودلاک جانانات Goodluck Jonathan، ارتش و دستگاه دولتی نیجریه وارد آورد، شاید چندان دوام نیاورد. این موضوع خیلی اهمیت ندارد. زیرا او نیز می تواند مانند همه جهاد طلبانی که سلفی و وهابی مسلک هستند بر اساس منافع رژیمهای سلطنتی- نفتی جانشینهای دیگری داشته باشد. اگر ضروری باشد، جانشینی با چمدان برای او خواهند فرستاد، همانگونه که خود او جانشین محمد یوسف شد [...] البته عربستان و قطر زیر فشار بین المللی و با آگاهی دیر هنگام به وضعیت جدید موضع گیری رسمی خودشان را بازبینی کردند، ولی پشتیبانانی ثروتمند در بخش خصوصی به ویژه آنانی که به صنایع نفتی وابسته هستند در منطقه وجود دارند که برای آنان نیجریه مشکل خاصی ایجاد می کند (4)».

آن شویه نتیجه می گیرد که : « اگر جامعه بین الملل در خاموش کردن مداخلات محلی مداخله نکند، و اگر غربی ها برای متوقف کردن پشتیبانیهای ایدئولوژیک و مالی از شورشیان سلفی مسلک، به اندازه کافی روی رژیمهای سلطنتی وهابی فشار نیاورند، هیچکس از عهده بوکو حرام بر نمی آید (5)».

در کشور مالی نیز بازی جغرافیای سیاسی فرانسه بیش از حد ابهام آمیز است و دولت فرانسه برای دفاع از منافعش دست به هر کاری می زند. حامای آق محمود مسئول امور خارجه در شورای دولت موقت ازواد بود (منطقه صحرایی در شمال مالی). دولت خود برگزیده جنبش آزادی ملی ازواد). آق محمود در دسامبر 2012 نظر به اتحاد جنبش آزادی ملی ازواد و گروه جهاد طلب انصار الدین استعفا داد. طی مقاله ای ([Dans un article](#)) به تاریخ ژانویه 2014، او یک سال پس از عملیات « سروال » Serval بی تأثیر بودن مداخله نظامی فرانسه در شمال مالی را افشا کرد و گفت : « من غالباً شاهد قتل شهروندان، غارت، تخریب خانه ها و منابع آب بوده ام. رسانه ها از این رویدادها چیزی نمی گویند. چه چیزی درباره 600 کشته از بین شهروندان غیر نظامی که ما از آغاز عملیات نظامی به ثبت رسانده ایم منتشر کرده اند؟ [...] در 3 منطقه از مناطق شمالی، زیر چشمان بردبار ارتش فرانسه و جامعه بین الملل، پاکسازی قومی راه انداختند. هیچکس درباره این رویدادها چیزی ننوشت و نگفت. این موضوع مرا منقلب می کند. [...]»

امروز همه می دانند که پشت این مداخلات برنامه ای سرّی نهفته است. سر تا سر سال 2012 علیه این مداخله به جامعه بین الملل هشدار دادیم. نمی توانیم با هواپیما و زره پوش علیه تروریسم مبارزه کنیم. [...] ولی فرانسویها پیشنهادی را که در آن دوران مطرح کردیم نپذیرفتند. یعنی همانگونه که قطعنامه 2085 شورای امنیت به تصویب رسانده است، گفتگو برای دستیابی به صلح [...] همه این جریانهای [جهاد طلب] از نیستی برنیامده اند. می دانیم از کجا می آیند، چه کسانی آنان را تغذیه و تأمین مالی می کند. همه موضعگیرهای سیاسی آنان با مواضع سیاسی برخی از کشورها تطبیق می کند. روشن است، جهاد طلبان علیه جنبش ملی آزادی ازواد جنگ نیابتی راه انداختند.(6)»

با وجود این، در ماه مه 2012 اتحاد بین جنبش ملی آزادی ازواد و گروه جهاد طلب انصارالدین رسماً اعلام شد. از دیدگاه حامای آق محمود، «اعلام رسمی اتحاد حاصل تحریف خارجی بود که می خواست چهره جنبش ملی آزادی ازواد را لکه دار و بی اعتبار کند. در آغاز، جنبش ملی آزادی ازواد هرگز طرفدار اسلامگرایی نبود. ولی با همت مقامات عالی رتبه کشورهای که مشوق تروریسم هستند، عناصر نفوذی به جنبش ملی آزادی ازواد راه یافتند. یعنی الجزائر و قطر. همه دیدیم چگونه در شمال مالی پول تقسیم شد و تدارکاتشان را تأمین کردند، و می دانیم از کجا می آید. آمریکائیه و فرانسویها را نیز در این طرح شریک بودند (7).»

حامای آق محمود در عین حال بازی دوگانه فرانسه را نیز افشا کرد که «فرانسویها برای فراری دادن مبارزان ازواد که طی جنگ در ارتش لیبی خدمت می کردند، از جنبش ملی آزادی ازواد درخواست همکاری کرده بودند. سپس مسدود کردن راه استخدام لیبیها در ازواد و در العیر در نیجریه. به ازای این کمک، قرار بود که برای استقلال ازواد چراغ سبز روشن کنند. این قراردادی بود که پیش از جنگ بین جنبش ملی آزادی ازواد و فرانسه منعقد شده بود. ولی پس از پیروزی جنبش ملی آزادی ازواد در جنگ، فرانسه سیاستش را کاملاً تغییر داد. فرانسه همه امکانات دیپلماتیکش را علیه جنبش ملی آزادی ازواد بکار بست. نتیجه گیری از چنین وضعیتی این است که هدف فرانسه خیلی به سادگی تضعیف دولت مالی بود، و می توانم به شما اطمینان بدهم که برای طرفداری از جنبش ملی آزادی ازواد نبود. (8)»

پس اسرار پنهان مرتبط به مداخله فرانسه در مالی کدام است؟ حامای آق محمود به این پرسش پاسخ می گوید: «جنگ بر سر منابع مواد معدنی، فرانسه پیشدستی کرد تا مالی قرارداد دفاعی را بپذیرد و امضا کند و سپس باید منابع معدنی را به فرانسه واگذار می کرد، و به همین گونه حفاظت از منابعی که وجود دارد. این واقعیت جوهر اصلی این جنگ است. قدرتهای دیگر گول نمی خورند. و ممکن است به مداخله خارجی کشیده

شود، زیرا آمریکائیا، روسها و حتی چینیا نیز به این معادن چشم طمع دوخته اند.

به سختی باور می کنم که این کشورها به فرانسه اجازه دهند که منابع ازواد و منطقه را بخودش اختصاص دهد. در این منطقه منابع سرشاری وجود دارد که هنوز بهره برداری و حتا شناسائی نشده است. ما در این منطقه، معادن طلا، فسفات، گاز، نفت و در عین حال آب داریم. منابعی که حتا از نفت و اورانیوم نیز پر اهمیت تر است. بستر تائودنی (به عربی «تودنی» Taoudenik) یک دریای داخلی از آب شیرین وجود دارد. تصور کنید در منطقه ای که بیش از پیش دچار بی آبی می شود، چنین منبعی به چه معنایی خواهد بود. منطقه قوياً استراتژیک است. از مدتها پیش قدرتهای بزرگ در پی دستیابی به شمال مالی هستند. می توانید پایگاه تسالیت Tesselit را در نظر بگیرید، آمریکائیا همیشه به آن به چشم طمع نگریسته اند، اروپائیا و به همینگونه روسها. همه می خواهند این پایگاه را در اختیار بگیرند. زیرا از این پایگاه، مثل تامانراست Tamanrasset به مثابه پنجره ای عمل می کند که به سوی همه منطقه باز می شود. ولی نمی توانیم در منطقه ای که ناامنی دائمی حاکم است بهره برداری کنیم. نخستین شرط بهره برداری از منابع ایجاد ثبات است. این موضوع مسائل جنگ کنونی را روشن می کند. (9)»

در این صورت آیا فرانسه کشوری ست که سخاوتمندانه فقط به یاری بی نوایان و بی گناهان آمده است و یا اینکه با حرص و طمع و بی هیچ ترحمی به روی طعمه اش خیز برداشته و آن را برای مدتی از حرکت بازداشته ، یعنی تا وقتی که ضرورت تصرف منابع حیاتی اش حکم می کند؟

Source : [Investig'Action](#)

Notes :

[1] . Anne-Mireille NZOUANKEU, « [40% des armes de Boko Haram saisies par le Tchad sont de fabrication française](#) », Agence Anadolu, 5 mars 2015.

[2] . Idem.

[3] . Frédéric SCHNEIDER, « [Révélations : Boko Haram « sert les intérêts de l'OTAN](#) » », Afrik.com, 15 juin 2014.

[4] . Alain CHOUET, « Boko Haram, le monstre utile », *Mondafrique.com*, 21 mai 2014.

[5] . Frédéric SCHNEIDER, *ibidem*.

[6] . « [La France nous avait donné son feu vert pour l'indépendance de l'Azawad](#) », *Malijet.com*, 17 janvier 2014.

[7] . *Idem*.

[8] . *Idem*.

[9] . *Idem*.

یادداشت مترجم :

1) آلن شویه Alain Chouet، رئیس قدیمی سرویس اطلاعات امنیتی DGSE (اداره کل امنیت خارجی- در فرانسه) که نویسنده مقاله از او به نقل آورده، در اینجا درست به هدف می زند، ولی اعتراف نمی کند که همه داستان سلفی مسلکان و امثال اینها ساخته و پرداخته «جامعه بین الملل» بوده تا راه مداخلاتشان را هموار کنند.

لینک متن اصلی در انوستیگ اکسیون :

<http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-des-armes-francaises-aux-mains-de-terroristes-210/>

گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی

22 ژوئن 2016

فرانسه، پشتیبان تروریستها؟
پشتیبانی دیپلماتیک و نظامی از دولتهای
تمامیت خواه

بخش 3

مائل آلبرکا

Maël Alberca

30 مه 2016



دولت فرانسه وقتی مسئله به پیدا کردن راه حل های
ضد دموکراتیک برای مقابله با سوء قصدهای پاریس
مربوط می شود، سرشار از تخیل است. ولی آیا به
ریشه یابی این رویدادهای هولناک اندیشیده است؟ آیا

مناسبات فرانسه با دیکتاتورهای نزدیک به جریانهای تروریستی هیچ ارتباطی با این رویدادها نداشته و بی تأثیر بوده است؟ دربارهٔ طرحهای اردوغان و مداخلاتش در سوریه چه می دانیم؟ آیا همکار برگزیده می تواند باشد؟

« این بزرگترین تناقض حرکت دولت کنونی است. در پیامدهای حملهٔ تروریستی [13 نوامبر 2015] اشک می ریزند که هولناک و مرگبار بوده ولی به دلایل آن نمی پردازند. روشن است که نقش بنیادی سیاست خارجی ما (فرانسه) می تواند این حملات تروریستی را توضیح دهد. رویدادی دراماتیک به وقوع پیوسته، ولی از سوی دیگر باید به یاد داشته باشیم که ما با پشتیبانی از مخالفان بشار اسد مستقیماً به تروریستها کمک کردیم، آنان را آموزش دادیم و تأمین مالی تشکیلاتشان را به عهده گرفتیم. آنچه به عربستان سعودی و قطر مربوط می شود، وضعیت از این نیز وخیم تر است. بین عربستان سعودی و قطر و آنچه در سوریه روی می دهد تبانی بنیادی وجود دارد. این کشورها جریان سلفی مسلکان و افراطی ترین جریانهای اسلامی را تأمین مالی می کنند، و روشن است که این جریانها موجب بی ثباتی سوریه بوده اند. همانگونه که قاضی ضد تروریست مارک ترویدیک Marc Trévidic گفته است، ادعای مبارزه علیه تروریسم با فشردن دست پادشاه عربستان سعودی، اندکی مثل این است که ما بگوئیم علیه نازیسم مبارزه می کنیم و هیتلر را به میزمان دعوت کنیم. [1]»

شارل هانری گالو Charles-Henri Gallois [2]

همانگونه که رئیس قدیمی اطلاعات فرانسه آلن شویه در ژوئیه 2015 یادآور شد « در خاورمیانه، ساحل، سومالی، نیجریه، و امثال اینها، ما متحد آنانی هستیم که از 30 سال پیش از تروریستها پشتیبانی می کنند(3)». در واقع، فرانسه متحد ژئواستراتژیک دولتهای تمامیت خواه است که تروریسم بین المللی را تغذیه می کنند و این دولتهای توتالیتار نه تنها مردم خودشان را شکنجه می کنند، بلکه کشورهای دیگر را نیز بمباران کرده و به قتل می رسانند؛ و تمام این امور در بی اعتنائی و انفعال بیمارناک سازمان ملل متحد انجام می گیرد. این دولتها در مقابل مؤسسات بین المللی و به اصطلاح « جامعهٔ بین الملل » از مصونیت کامل و حتا تبانی آنها در همهٔ جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت برخوردارند. این دولتها عبارتند از : ترکیه، قطر، عربستان سعودی، ایالات متحده و اسرائیل.

ترکیه و « شورشیان سوریه »

در ماه مه 2015، روزنامهٔ ترکیه [le journal turc Cumhuriyet](http://le-journal-turc-cumhuriyet) اعلام کرد که جنگ افزارهایی به مقصد شورشیان سوریه در ستونی از کامیون زیر چشمان دولت ترکیه از مرز سوریه عبور کرده است (4). به گزارش مقاله ای در روزنامهٔ لوموند « پرونده

های رسمی منتشر شده در اینترنت تأیید می کند که کامیونها به سرویس های اطلاعاتی ترکیه تعلق داشته و برای شورشیان اسلامگرا که در سوریه علیه رئیس جمهور بشار اسد می جنگند، و جنگ افزار و مهمات حمل می کرده است. (5)»

[Un rapport de l'ONU](#) گزارش سازمان ملل متحد منتشر شده در دسامبر 2013 دولت ترکیه را برای تحویل جنگ افزار به «شورشیان» سوریه متهم دانسته است» (47 تن جنگ افزار بین ژوئن و دسامبر 2013 تحویل داده شده)، این موضوع در ژانویه 2014 با کار تجسسی روزنامه نگار ترک تأیید شد [par des enquêtes](#) [7] او پشتیبانی ترکیه از مخالفان سوری علیه بشار اسد را افشا کرد.

ترکیه در عین حال متهم به تسهیل عبور و مرور جهاد طلبانی است که از سراسر جهان می آیند و به صفوف گروه های جهاد طلب و از جمله به جبهه النصره (جبهه برای پیروزی) می پیوندند که یکی از گروه های جهاد طلب از شبکه القاعده است [par des enquêtes](#) [7] (8).

سرانجام، خانواده رئیس جمهور رجب طیب اردوغان از سوی روسیه به خرید نفت از منابعی که در تصرف دولت اسلامی در سوریه است متهم اعلام شده، زیرا بر اساس این مبادلات مستقیماً گروه تروریستی را تأمین مالی می کند. در 2 دسامبر 2015، معاون وزیر دفاع روسیه آناتولی آنتونوف اعلام کرد: «از خودتان درباره این موضوع نمی پرسید که پسر رئیس جمهور ترکیه مدیر یکی از شرکتهای بزرگ انرژی و دامادش نیز برای مقام وزیر انرژی برگزیده شده؟ چه شرکت خانوادگی شگفت انگیزی! (9)»

در واقع، پسر رئیس جمهور ترکیه، بلال اردوغان، صاحب گروه BMZ متخصص در زمینه ساختمان و ساخت و سازهای عمرانی و حمل و نقل دریائی است. و برات البیرق داماد رجب طیب اردوغان مدیریت شرکت خوشه ای چالیک هولدینگ را به عهده دارد که در زمینه صنعت نساجی، انرژی، مخابرات، لوژیستیک، خدمات مالی و رسانه ها فعال می باشد.

از نوامبر 2015، برات البیرق در دولت احمد داووداوغلو به مقام وزیر انرژی ارتقاء یافت. پرونده لی متعلق به یک شرکت انرژی هیدروکربن نشان می دهد که ترکیه از مناطق زیر کنترل دولت اسلامی نفت را به بهای پائین خریداری کرده است (10).

دولت ترکیه برآن است که در مقام ناخدای طرح ترسیم مجدد خاورمیانه عمل کند که مقدماً از تخیلات ایالات متحده تراوش کرده است (بخش 4 این مقاله به همین موضوع اختصاص دارد). 16 فوریه 2004 رجب طیب اردوغان، که در آن دوران نخست وزیر ترکیه بود، با افتخار درباره این طرح اعلام کرد: «آمریکا طرحی برای ایجاد خاورمیانه بزرگ دارد، دیاربکر (11) می تواند

به مثابه مرکز این طرح مد نظر قرار گیرد. ما باید به این هدف دست یابیم (12)».

علاوه بر این او ترکیه را به مثابه عضو هیئت مدیره این طرح اعلام کرد (13)، عضو دیگر به شکلی ضمنی ایالات متحده است.

روزنامه نگار بلژیکی- ترک تبار بهار کیمیونگور می گوید که این طرح به مداخله گسترده خارجی شباهت دارد : «اصل این طرح، ایجاد جبهه سنی به رهبری ترکیه است، یعنی نوعی استراتژی که هدفش خنثی سازی جریان شیعه ایرانی، عراقی، لبنانی و متحدشان سوریه است (14)».

گزارشهای افشا شده در ویکیلیکس نشان می دهد که واشنگتن بر آن بوده که پس از سرنگونی رژیم سوریه، اتحادیه ای متشکل از [معاون پیشین رئیس جمهور سوریه] عبدالحلیم خدام و اخوان المسلمین سوریه را جایگزین کند (15)»

عبدالحلیم خدام از نزدیکان سعد حریری پسر میلیاردر لبنانی رفیق حریری است که در سال 2005 در بیروت به قتل رسید. سعد حریری مثل پدرش به خاندان سلطنتی سعود نزدیک است. بهار کیمیونگور درباره او گفته است که «مقادیر زیادی جنگ افزار به تروریست های سوریه تحویل داده است (16)».

Source: [Investig'Action](#)

Notes:

[1] . Victoria ISSAÏEVA, « [Créer de nouvelles alliances au nom de la lutte contre l'EI](#) », *Sputniknews.com*, 26 novembre 2015.

[2] . Responsable national du parti de l'Union Populaire Républicaine pour les questions économiques.

[3] . Alain CHOUET, « [Nous sommes alliés avec ceux qui sponsorisent depuis trente ans le phénomène djihadiste](#) », *Humanite.fr*, 3 juillet 2015.

[4] . [Cumhuriyet.com.tr](#), 29 mai 2015.

[5] . « [Un journal turc publie les images d'armes livrées par la Turquie aux djihadistes en Syrie](#) », *Lemonde.fr*, 29 mai 2015.

[6] . « [Report: Turkey Shipped Arms to Syria Rebels](#) », *Naharnet.com*, 16 décembre 2015.

[7] . Hélène SALLON, « [L'étrange soutien de la Turquie aux réseaux djihadistes de Syrie](#) », *Lemonde.fr*, 24 janvier 2014. & Fehim TASTEKIN, « [Turkish intelligence service trucks reveal secrets](#) », *Al-monitor.com*, 20 janvier 2014. & Fehim TASTEKIN, « [Turkey declares vanishing truck to Syria 'state secret'](#) », *Al-monitor.com*, 7 janvier 2014.

[8] . « [Report: Turkey Shipped Arms to Syria Rebels](#) », *Naharnet.com*, 16 décembre 2015.

[9] . « [La Russie accuse « Erdogan et sa famille » d'être impliqués dans le trafic de pétrole avec l'EI](#) », *Lemonde.fr*, 3 décembre 2015.

[10] . « [Norway Confirms ISIS Oil Sold into Turkey at Low Prices](#) », *Geopolitics.co*, 20 décembre 2015.

[11] . Grande ville kurde au Sud-Est de la Turquie.

[12] . Bahar KIMYONGÜR, *Syriana, la conquête continue*, *Investig'Action*, 2011, p. 115.

[13] . *Idem*, p. 116.

[14] . *Ibidem*.

[15] . *Idem*, p. 127.

[16] . *Idem*, p. 125.

لينك متن اصلی :

<http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-soutien-diplomatique-et-militaire-a-des-etats-totalitaires-310/>

فرانسه پشتیبان تروریستها؟ قطر و طرح اخوان المسلمین

بخش 4

مائل آلبرکا

Maël Alberca

13 ژوئن 2016



در طرح ترسیم مجدد خاورمیانه بزرگ، قطر نقش اول را بازی می کند. با غنیمت شمردن فضای خالی حاصل از غروب ناسیونالیسم، قطر با بلند پروازی و به ویژه با تکیه به اخوان المسلمین می خواهد رهبری جهان عرب را بدست گیرد. با اعتقاد به لیبرالیسم افسار گسیخته اقتصادی، قطر می تواند به مثابه همکار مناسب و مفیدی برای امپریالیسم غرب و به همین گونه پدرخوانده قطری مطرح باشد. چگونه امارات از فرقه اخوان المسلمین استفاده می کند؟ شبکه تلویزیونی الجزیره چه نقشی بازی می کند؟ چگونه

مناسبات بین فرانسه و قطر را تعریف کنیم؟ چرا امارات به سازمان بین المللی زبان فرانسه پیوسته است؟



آلن شویه Alain Chouet

به استناد افشاگرهای رئیس پیشین اطلاعات و امنیت فرانسه آلن شویه Alain Chouet، عربستان سعودی و قطر جنبشهای جهاد طلب سلفی مذهب (از جمله القاعده) (1) را تأمین مالی کرده و به آنها جنگ افزار تحویل داده اند تا ایدئولوژی وهابی را به پیروزی برسانند، و بر اساس این امر از طرح به قدرت رساندن اسلام سیاسی در جهان عرب و مسلمان پشتیبانی کرده اند. قطر این طرح سیاسی را (2) به شکل الگوی ایدئولوژیک اخوان المسلمین و به پشتیبانی معنی دار دلارهای حاصل از فروش گاز صادر می کند. یعنی الگوئی که خیلی به راحتی با افسارگسیخته ترین تعبیر سرمایه داری نئولیبرال سازگار است و از سوی واشنگتن تبلیغ می شود.

نئو محافظه کاران در ایالات متحده به این علت که تمایلات مذهبی را برای طرح ترسیم مجدد خاورمیانه خیلی مناسب می بینند از رژیمهای سلطنتی وهابی در این طرح پشتیبانی می کنند. برای اجرای چنین طرحی، نیازی نیست راه خیلی دوری برویم. خیلی ساده مؤثرترین ترفند قدیمی را به کار می بریم یعنی تحریک اختلافات و مداخله به هدف تسلط بر طرفین و تسخیر سرزمین ها، یعنی استراتژی قدیمی که دست کم به قدمت امپراتوری روم است :

divide ut regnes یا divide et impera (اختلاف انداختن برای فرمانروائی کردن). بی هیچ احساس گناهی، برای قدرتمندان و حاضر به یراق های جنگ طلب، در چنین روندی فقط منافع، رؤیای فتح و فرمانروائی می تواند اهمیت داشته باشد، همین و بس!

از قرن نوزدهم تا کنون موضوع ژئواستراتژیک مرکزی ثابت باقی مانده و همانی ست که بود : کنترل اوراسیا، چهار راه

ژئو استراتژیک بین سه قاره یعنی منطقه ای که بخش مهمی از ثروتهای جهان در آنجا انباشت شده است. به گفته استراتژیست پر نفوذ ایالات متحده زبیینگنوف برژینسکی Zbigniew Brzezinski (مشاور امنیت ملی در دوران جیمی کارتر)، کشور یا گروهی از کشورهایی که کنترل اوراسیا را بدست بگیرند، امتیاز کنترل جهان را بدست خواهند گرفت. برژینسکی این نظریه را در کتاب «شطرنج بزرگ، آمریکا و بقیه جهان» مطرح کرد که در سال 1997 منتشر شد. نزدیک 20 سال پیش او این نظریه را به روشنی مطرح کرد و از آن تاریخ دولتهای ایالات متحده گرچه با تمایلات متنوع سیاسی ولی همین راهکار را به کار بستند: «از این پس آمریکا یگانه ابر قدرت جهان است، و اوراسیا صحنه مرکزی جهان. به همین علت، تقسیم قدرت در قاره اوراسیا از اهمیت فوق العاده ای برای ابر قدرت آمریکا در جهان و تاریخ آینده ایالات متحده برخوردار است. [...] از این پس آمریکا نقش داور را در اوراسیا بازی می کند، و هیچ مسئله مهمی بدون نظارت این کشور نمی تواند راه حلی داشته باشد و یا خلاف منافع ایالات متحده به نتیجه رسد. طول عمر و ثبات برتری ابر قدرت آمریکا در جهان کاملاً به شیوه کاربست ترفند و یا جلب رضایت بازیگران اصلی جغرافیای راهبردی حاضر روی صفحه شطرنج اوراسیا و به آنانی بستگی دارد که قادر به مدیریت محور جغرافیای سیاسی کلیدی این منطقه هستند (3)».

برژینسکی به هیچ وجه اهداف سیاست خارجی ایالات متحده را پنهان نمی کند، یعنی سیاستی که دور محور «نظم نوین بین المللی به قیومیت آمریکا تنیده شده است (4)».

چند سال پس از انتشار «شطرنج بزرگ»، حمله تروریستی به دو برج مرکز تجارت جهانی و پنتاگون، برای دولت ایالات متحده بهانه ای را که مدتهای مدید انتظارش را می کشید فراهم کرد و تحمیل لایحه میهن دوستی موجب شد که شهروندان ایالات متحده زیر کنترل حفاظتی شدید قرار گیرند. حمله تروریستی 11 سپتامبر 2001 بهانه مناسبی شد برای مداخله ایالات متحده در افغانستان (2201) و عراق (2003)، و سپس راه اندازی جنگ بین المللی علیه تروریسم. چنین رویدادهایی برای گروه های صنعتی نظامی بیشتر به رؤیا شباهت داشت و اکنون می توانستند با رحمتی که از آسمان بر آنان نازل شده بود، جیبهایشان را پر کنند.

در چنین وضعیتی بود که در سال 2003، طرح ترسیم مجدد جغرافیای سیاسی خاورمیانه روی میز استراتژیستهای مرکز فرماندهی ارتش ایالات متحده قرار گرفت. این طرح فتح از طریق تقسیم بندیهای مذهبی در کشورهای عربی در قالب «طرح خاورمیانه بزرگ» انتخاب شد («Greater Middle East»). البته این طرح از آسمان نیافتاد، بلکه تنظیم آن در خطوط کلی ناظر به نظریه راهبردی در زمینه جغرافیای سیاسی بود که قویاً از دیدگاه روزنامه نگار اسرائیلی اودد ایون Oded Yinon در سال 1982 تأثیر پذیرفته بود:

« استراتژی برای اسرائیل در سالهای 80 »
(« [Une stratégie pour Israël dans les années 80](#) ») مقاله
در روزنامه کیوونیم Kivunim شماره 14 فوریه 1982 توسط
سازمان جهانی صهیونیسم « World Zionist Organization (5)
منتشر شد.

اودد ایون فقط روزنامه نگار نبود، بلکه کارمند وزارت امور خارجه اسرائیل نیز بود. در آن دوران درباره قطع عضو مصر، لیبی، سودان، لبنان، سوریه و عراق در رابطه مفصلی با موضوع تضمین امنیت اسرائیل نظریه پردازی می کرد. 30 سال پیش از آغاز جنگ علیه سوریه، اودد ایون نوشته بود :

«فروپاشی سوریه و عراق به مناطق مشخص بر اساس شاخصهای قومی یا مذهبی، چنین هدفی در دراز مدت باید برای اسرائیل در اولویت قرار بگیرد، نخستین گام تخریب قدرت نظامی این دولتهاست [...] ساختار قومی سوریه این کشور را در معرض تجزیه قرار می دهد و می تواند به ایجاد دولت شیعه در طول ساحل، و دولت سنی در منطقه حلب، و یک دولت دیگر در دمشق بیانجامد، دروزها نیز شاید بخواهند دولت خودشان را تشکیل دهند، احتمالاً شاید روی بلندپایه جولان ما، در هر صورت در حوران در جنوب غربی سوریه و شمال اردن. چنین دولتی برای ما در دراز مدت ضامن صلح و امنیت در منطقه خواهد بود. ما از هم اکنون به این هدف دسترسی داریم. عراق با ثروت سرشار نفتی، طعمه منازعات داخلی در خط آتش اسرائیل است. برای ما تجزیه عراق بیشتر از سوریه اهمیت دارد، زیرا این عراق است که در کوتاه مدت به شکل جدی اسرائیل را تهدید می کند [...] جنگ بین سوریه و عراق برای فروپاشی این کشور مساعد خواهد بود، پیش از آن که برای حمله گسترده به ما آماده شود. هر گونه زد و خورد بین عربها به نفع ما خواهد بود و وقت فروپاشی را تسریع خواهد کرد.»(6)

در سال 1996 گزارش « A clean break : a new strategy for securing the realm » که به نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو تحویل داده شد، همین نظریات را دوباره مطرح می کرد. از جمله سرنگونی صدام حسین، و به همینگونه بر پا کردن جنگ نیابتی در سوریه. این گزارش توسط یک گروه تحقیقاتی در چهار چوب اتاق فکری اسرائیلی - و - آمریکائی به نام Institute for Advanced Strategic and Political Studies به مدیریت مقام بلند پایه قدیمی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، ریچارد پرل Richard Perle تهیه شده بود.

به گفته بهار کیمیونگور، استراتژیهای ایالات متحده در سال 2000 طرح خاورمیانه بزرگ را باز بینی کردند و « در سال 2003 برای نخستین بار طی گردهمائی نئو محافظه کاران در مؤسسه آمریکن اینترپرایز American Enterprise Institute آشکار شد. [این نظریه] در سال بعد، طی گردهمائی کشورهای گروه 8 در Sea Island در ساحل آتلانتیک جیورجیا،

نامش تغییر کرد و تبدیل شد به «همکاری برای پیشرفت و آینده مشترک با خاورمیانه بزرگ و آفریقای شمالی» (7) (8).

دستورالعمل این نظریه خیلی ساده است : تحریک و راه اندازی « انقلابهای صلح آمیز » در کشورهایی که دولتهایشان نافرمانند (یعنی : ناسیونالیست، سوسیالیست، مارکسیست، پان عربیست، ضد امپریالیسم، چند قطبی گرا، طرفدار روسیه، طرفدار ایران، طرفدار چین...). سرانجام با تجزیه و تقسیم کشورهای عربی و ایجاد تعدادی کشورکوچک متخاصم (در جدال مستمر با یکدیگر)، تا برای امنیت اسرائیل و منافع شرکتهای چند ملیتی خارجی خطر چندانی وجود نداشته باشد.

این « انقلابهای به اصطلاح خود جوش » (مترجم : مثل انقلاب سبز در ایران) که گرچه بار فراخواستههای قانونی مردم را حمل می کند، با وجود این می تواند جهت دهی شوند یا به نفع طرحها و منافع بنیادها و مؤسسات ایالات متحده به کار بسته شوند « فرصتهای تازه برای آزادی و دموکراسی »، از بین این بنیاد ها میتوانیم به تعدادی از آنها اشاره کنیم :

بنیاد ملی برای دموکراسی National Endowment for Democracy (NED)، خانه آزادی Freedom House (9)، انستیتو آلبرت آنشتاین Albert Einstein Institution (10)، بنیاد جامعه باز Open Society Institute (11) یا شورای روابط خارجی Council on Foreign Relations (12). بهار کیمیونگور نشان داده است که چگونه دولت بوش گروه های فشار در سوریه را تأمین مالی کرده که هدف اعلام شده آنان سرنگونی بشار اسد و ایجاد دولت اخوان المسلمین (هم پیمان با منافع غربی) بوده است. (13)

بهار کیمیونگور درباره « بهار عرب » می گوید نام بی مسما برای روندی است که از سال 2011 آغازشد، باید دانست که مأموران آمریکائی در جریانهای معترض تونس و مصری نفوذ کرده بودند (14). آموزش قبلی مخالفان سایبری و دیگر فعالان عرب آموزش دیده و یا تازه آموزش دیده و یا در حال فراگیری حرفه فعال سیاسی اجتماعی به مدد اعضای مرکز پژوهشی برای کاربست روش بدون خشونت انجام گرفت (Centre for Applied Non Violence)، بودجه این برنامه را سازمان سیا از سال 2007 تأمین مالی می کرد (15). مرکز پژوهشی برای کاربست روش بدون خشونت (یا غیر خشونت آمیز) (CANVAS) سازمانی است که در سال 2004 به کوشش اسلوبودان دینوویچ Slobodan DjinoVIC و سرجا پوپوویچ Srdja Popovic بنیانگذاری شد که جنبش صربی به نام « ائپور » Otpor (مترجم : به زبان صربی به معنای مقاومت است. به پشتیبانی بنیاد ملی برای دموکراسی و میلیاردر آمریکائی جرج سوروس Georg Soros). ائپور به اعتراف بنیانگذار آن ایوان مارویچ Ivan Marovic (16) توسط سازمان سیا و برخی بنیادهای ایالات متحده که پیش از این نام بردیم پشتیبانی مالی می شد.

همین جنبش بود که رئیس جمهور میلوسویچ را در 5 اکتبر 2000 در صربستان سرنگون کرد و سپس آموخته هایش را در کشورهای اروپای شرقی که نزدیک به روسیه تلقی می کرد به اجرا گذاشت. بر این اساس بود که دایره « انقلابهای رنگی » شروع شد (« سال 2003، انقلاب گل‌های سرخ » در گرجستان، 2004 « انقلاب نارنجی » در اوکراین، 2005 « انقلاب گل‌های لاله » در قرقیزستان، 2005 « انقلاب سدر » در لبنان) (مترجم : چگونه می توانیم جنبش سبز در سال 2009 در ایران را بحساب نیاوریم؟) و بهار عرب چیزی نیست بجز تداوم و گسترش همین انقلابهای رنگی در خاورمیانه و آفریقای شمالی. کل این روند زیر چشمان با دقت وزارت امور خارجه و بنیادهای ایالات متحده در پیوند با دستگاه سیاسی و نظامی ایالات متحده (17)، علاوه بر این باید یادآور شویم که « قطر بزرگترین پایگاه نظامی فرامرزی ایالات متحده را در خود جای داد و هزینه ساخت آن را نیز به عهده داشته است (18).

این استراتژی که بی ثبات سازی و بالکانیزاسیون خاورمیانه را هدف گرفته بود در برخی نوشته ها « دکترین بوش » نیز نامیده شده است. چنین رویکردی به ایالات متحده اجازه می داد تا از تشکل اتحادیه هایی که برای منافع و اقتدار جهانی اش خطرناک تلقی می کرد جلوگیری کند، مانند « اتحاد شیعیان » ایران، عراق، سوریه ، حزب الله لبنان (تولید و صادر کنندگان نفت) و اتحاد بلوک شرق یعنی (« RIC ») روسیه، هند و چین. برای ایالات متحده آمریکا تخریب این اتحادیه ها هدف اولیه را تشکیل می داد، ولی یگانه هدف نبود. هدف دوم جلوگیری از ظهور جنبش سوسیالیستی مداخله گر در امور اجتماعی و اقتصادی با تمایلات پانعرب که در عین حال می تواند برای گسترش زیربناها، آموزش عمومی و رهائی از قیومیت غرب از سیاست ناصر در مصر و یا مصدق در ایران الهام بگیرد، و چنین اموری در مجموع (وقتی که بخواهد به واقعیت بپیوندد) یعنی کابوسی وحشتناک برای قدرتهای ناتو.

قطر کشوری است که در این برنامه نئولیبرال برای ترسیم مجدد خاورمیانه و تخریب دولت ملتهای سوسیالیست لائیک و صدور الگوی وهابیت نزد اخوان المسلمین نقش اول را به شکل پراکنده در سراسر جهان به عهده داشته است. دیپلمات قدیمی اتیوپی محمد حسن (19) می گوید : « قطر کاملاً مثل عربستان سعودی می خواست با اتکا به گروه های اسلامگرا علیه نفوذ دولتهای ناسیونالیست منطقه اقدام کند. در خاور میانه یک سری رویدادها مانند از بین رفتن ناصر، غروب جریان انقلابی عرب یا سقوط صدام حسین موجب ایجاد فضائی خالی شد که پیامد آن فعال شدن رژیم های سلطنتی نفتی خلیج (فارس) بود. این رژیمها از هم اکنون می خواهند این فضای خالی را پر کنند و جایگاه پیشگام جهان عرب را بخود اختصاص دهند (20) »

فینیان کونینگهام [Finian Cunningham](#) پژوهشگر در مرکز مطالعات جهانی سازی در زمینه خاورمیانه و خاور آفریقا توضیح

می دهد که چگونه « عربستان سعودی و به ویژه قطر رویدادهای سال [2011] در سوریه و لیبی را با پشتیبانی مالی و نظامی از مبارزان و پشتیبانی دیپلماتیک از « شورای موقت » در کنترل خود داشته اند (21)».

این پشتیبانی دیپلماتیک روی الجزیره به مثابه ایستگاه رسانه ای برای سیاست امور خارجی در قطر تکیه داشت. شبکه تلویزیون قطری با جانبداری از « شورشیان » لیبی و سوریه در چشم انداز سرنگونی معمر قذافی و بشار اسد، با سخاوتمندی تمام از رسانه دروغ برای خدمت به اهداف جغرافیای استراتژیک قطر استفاده کرد. شبکه های تلویزیونی کشورهای عضو ناتو نیز گزارشات و تصاویر را بی آن که از منابع آن اطمینان داشته باشند و یا آنها را در تلاقی با یکدیگر بررسی کنند (یعنی روشی که جزء حداقل وظیفه هر روزنامه نگار حرفه ای و متعهد است) منتشر کردند، و بر این منوال، آگاهانه یا ناآگاهانه تبلیغات قطری را گسترش دادند. مدارکی که تحریفات و گزارشات مسموم الجزیره را ثابت می کنند بسیارند (برای مثال، معرفی کردن زندانیان عراقی به جای یمنی ها، یا انتشار تصاویر شهر بصره در عراق بجای شهر مصراته در لیبی (22)).

علاوه بر این، الجزیره در سطح گسترده ای در کشورهای اروپایی و به ویژه در فرانسه برای کسب حق انتشار مسابقات قهرمانی باشگاه ها (لیگ قهرمانی) در فصول مسابقات طی 2012 تا 2015 را خریداری کرد(23). بطور کلی تر، نزدیکی فرانسه و قطر به نیاز استراتژیک قطر پاسخ می گوید که دائماً در جستجوی راهی برای افزایش نفوذ اخوان المسلمین در بطن دولتها و دستگاههای دیپلماتیک کشورهای غربی ست. دلار گازی به ازای نفوذ در زمینه جغرافیای سیاسی، یعنی راهکاری که نامش « بُرد - بُرد » است.

ولی برای درک عمیق استراتژی اخوان المسلمین که در جهان عرب و مسلمان امروز، باید به منشأ این جنبش بازگردیم. فرقه برادران مسلمان در سال 1928 در شمال شرقی مصر توسط آموزگاری به نام حسن البنا بنیانگذاری شد. هدف اصلی او بدست آوردن آزادی کشورش از استعمار فرهنگی بریتانیا بود و برای اسلام اجتماعی تبلیغ می کرد. بر اساس این امر، « به باور او مصر در صورتی که به ارزشهای اسلامی و اخوان المسلمین روی بیاورد می تواند از استعمار غرب رهائی یابد، به سخن دیگر از دیدگاه او طرح اسلامی سازی کشور می توانست در چشم انداز پیشرفت و تولد مجدد عرب محقق شود (24)». پس از مرگ حسن البنا (در سال 1949 به قتل رسید) و کودتای « افسران آزاد » (انقلاب 1952)، « تنش شدیدی بین ناصر و اخوان المسلمین به وجود آمد. سوء قصد به جان ناصر در سال 1954 به این فرقه نسبت داده شد که متعاقباً موجب ممنوعیت آن گردید. اغلب اعضای این گروه به زندان و یا تبعید محکوم شدند، به ویژه به عربستان رهسپار شدند، یعنی کشوری عقب افتاده، محافظه کار و مساعد برای قدرتهای غربی (25)».

پس از مرگ ناصر در سال 1970، انور سادات به ریاست جمهوری مصر رسید. انور سادات می خواست خط مرز خود را از رئیس جمهور پیشین تفکیک کند، از همین رو برای «مبارزه علیه میراث ناصری در سطح ایدئولوژیک» (26)، فرقه اخوان المسلمین را به مثابه ابزار به کار بست. برای تحقق چنین راهکاری، « سادات از مذهب استفاده کرد. ابتدا افشاگرانه‌ای دربارهٔ اختناق و سرکوب ناصری علیه اخوان المسلمین منتشر کرد. سپس، خود را به مثابه مردی خداشناس و مسلمانی پارسا معرفی کرد. [...] در نتیجه نظریه ای که دیکتاتور مصری را برای جلوگیری از گسترش اسلامگرایی ضروری می دانست اسطوره ای بیش نبود. در واقع اسلامگرایی یکی از قطعات اساسی نظام بود و فقط نظم پلیسی را توجیه می کرد، یعنی همان نظم و ساز و کاری که غرب از آن پشتیبانی می کرد. [...] برنامه اخوان المسلمین به قلم سلسه مراتب روی دوم سکه نظام تمامیت خواهی را نشان می داد که از پشتیبانیهای امپریالیسم برخوردار است. برنامه اجتماعی و اقتصادی نزد این فرقه اسلامگرا به هیچ وجه پیش رو و ترقی خواه نیست و فقط برای سرمایه داری افسارگسیخته، مبادلات آزاد تبلیغ می کند و پیش از این نیز علیه جنبشهای کارگری و دهقانی موضعگیری کرده است... کوتاه سخن این است که جبهه بسیار مناسبی را برای امپریالیستها تشکیل داده اند تا به بهره برداری از مصر ادامه دهند (27)». یعنی جبهه ای که امروز بسیاری از کشورهای عربی را تهدید می کند...

فرقه اخوان المسلمین که هدف رسمی آن تجدید خلیفه اسلامی ست، رؤیای اتحاد پان اسلامیست را در سر می پروراند. با وجود این، در بطن رژیمهای سلطنتی وهابی خلیج (فارس) اختلافاتی وجود دارد و مهمترین شکاف بین استراتژی سعودیها (که گروه های سلفی جهاد طلب را تأمین مالی می کند) و قطرهای (که با کارت اسلام سیاسی یعنی با اخوان المسلمین بازی می کنند) دیده می شود. اخوان المسلمین حتا در چندین کشور مثل مصر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به مثابه گروه تروریستی ممنوع اعلام شده است.

در مقاله ای به تاریخ نوامبر 2012، روزنامه نگاری به نام آلن گرش Alain Gresh دربارهٔ رقابت بین قطر و عربستان سعودی مطالبی نوشته است (28). در سال 2002، شاهزاده نایف از خاندان سعود با پرخاشگری به اخوان المسلمین می گوید : « اخوان المسلمین باعث و بانی اغلب مشکلات در جهان عرب هستند و تا کنون خسارات بسیاری به عربستان سعودی وارد آورده اند. ما خیلی از این گروه پشتیبانی کردیم و آنان جهان عرب را تخریب کردند (29)».

آلن گرش در تحلیل علت رویگردانی سلطنت سعودی از اخوان المسلمین می گوید که در واقع فرقه اخوان المسلمین برای سلطنت مشروطه مبارزه می کنند و می خواهند آن را بر اساس انتخابات آزاد پایه ریزی کنند، یعنی ساز و کاری که

مستقیماً رژیم سلطنتی خاندان سعود را تهدید می کند. اینگونه بنظر می رسد که « در سالهای 2011-2013، توفیق اخوان المسلمین در کل منطقه و چشم انداز سازمانهایی که خواهان اسلام و در عین حال رأی همه شمول مردم بودند به شکل دراز مدت در امور جاری جا افتاد و موجب دستپاچگی ریاض شد. و از مصر تا یمن، رژیم سعودی ضد انقلاب و ضد حمله ای را سازمان داد که تا کنون با موفقیت عمل کرده است (30) ».

با وجود این، چند سال بعد و پس از « فروپاشی اخوان المسلمین در مصر»، بنظر می رسد که عربستان سعودی موضع گیری خود را تغییر داد و به شکل پیشبینی ناپذیری برای ایجاد جبهه مشترک علیه دشمن مشترک رژیمهای سلطنتی وهابی به قطر نزدیک شد : دشمن مشترک در اینجا یعنی ایران. « از این پس مهمترین هدف آنان مهار تهدید ایران در عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و یمن است. برای مقابله با ایران در عین حال جبهه ای متشکل از اهل سنت را نیز علیه از دین برگشتگان شیعه مذهب سازماندهی کرده اند (31) ».

« با توافقات هسته ای بین 5+1 و ایران در چشم انداز انبساط بین واشنگتن و تهران» این رویکرد تسریع شد و « رژیم سلطنت موروثی خاندان سعود را به جستجوی راههای جدید گفتگو با اخوان المسلمین واداشت، البته با حفظ جانب احتیاط ولی با قاطعیت (32). حاصل این سیاست جدید در سوریه « به رهبری آنکارا و با کمک قطر، جنبشی در راستای اتحاد نیروهای اسلامی در بطن ارتش فاتح بسیج شد، اتحادی که متشکل از اخوان المسلمین و جبهه النصره شاخه القاعده در سوریه بود (33) ».

ولی باید بپرسیم که قطر چگونه ایدئولوژی اخوان المسلمین و ارتقاء طرح الگوی مذهبی را صادر می کند؟ البته روشن است که این کار را با پول انجام می دهد. سبد مالی که غالباً از تولید و صادرات گاز موجود در کشور بدست می آید. این کشور بسیار کوچک که به سختی 11000 کیلومتر مربع وسعت دارد چهارمین تولید کننده گاز طبیعی، و نخستین صادر کننده گاز مایع در جهان است (4).

قطر به شکل گسترده در فرانسه سرمایه گذاری کرده است، به ویژه با صندوق سرمایه گذاری های امیر حاکم قطر Qatar Investment Authority (QIA)، در بخشهای کلیدی اقتصاد : امور مالی، حمل و نقل، دفاع (EADS)، امور ساختمانی (Vinci)، انرژی (توتال، سوئز آنویرومنان، وئولیا آنویرومنان)، و خرید ساختمان : هتلهای لوکس (مترجم : اسامی هتلها را به همان شکل لاتین باقی می گذارم) :

(hôtels de luxe d'Évreux, Lambert, Kinski, Landolfo-Carcano, Gray d'Albion, de Coislin, le Majestic, le Royal Monceau, le Peninsula, et les immeubles de Virgin Megastore, de HSBC, et du Lido sur les Champs-Élysées)

علاوه بر این صندوق حاکم قطر در سال 2011 به یکی از سهامداران اصلی گروه لاگارد Lagardère تبدیل شد. ریاست صندوق حاکم قطر به عهده تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی است که از 25 ژوئن 2013 به مقام امیر قطر ارتقا یافت (عنوانی که معادل رئیس دولت است). علاوه بر این تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی هفتمین حاکم از ثروتمندترین حکام جهان است (نزدیک 2,5 میلیارد دلار ثروت شخصی در سال 2015).

دیپلمات قدیمی اتیوپی محمد حسن درباره قطر می گوید «این کشور فقط از طریق پول وجود خارجی دارد. هر چیزی که قابل خرید و با ارزش باشد خریداری می کند : باشگاه فوتبال، رسانه های سیاسی، شرکتهای خارجی، آثار هنری، حفاظت نظامی و امثال اینها (35)». روزنامه نگار اریک لوزر Eric Leser اضافه می کند « مشغولیت دائمی قطر ادامه حیات است و بی وقفه در جستجوی متحد، خدمتگذار و هر گونه بازشناسی، دیپلماتیک، اقتصادی، مالی و ورزشی... می باشد. قطر مشاور، سرمایه گذار مالی، همکار و میانجیگر تقریباً همه است : ایالات متحده و اسرائیل، عربستان سعودی و ایران، مقامات فلسطینی، حماس، بریتانیا، فرانسه، سوریه، لبنان... (36)»

ولی « همکاری » فرانسه و قطر اگر به سرمایه گذاریهای عظیم قطر در فرانسه متوقف می شد یک جانبه باقی می ماند. از سوی دیگر فرانسه بهترینهایش را در زمینه دانش و فن آوری به قطر پیشنهاد می کند : برای مثال جنگ افزار. در سال 2015 امیر قطر 24 فروند هواپیمای جنگی رافال به فرانسه سفارش داد، یعنی خریدی به حجم 6,3 میلیارد یورو (37). علاوه بر این، « قطر با فرانسه قراردادهائی در زمینه دفاع به امضا رسانده است، در نتیجه فرانسه آموزش نفرات نیروی دریائی و پلیس قطر را تأمین می کند و بخش مهمی از تجهیزات نظامی از جمله میراث 2000 به این کشور فروخته است (38)». شرکتهای چند ملیتی فرانسه نیز در قطر حضور دارند : توتال، شرکت گاز فرانسه سوئز، شرکت الکتریسیته فرانسه، وئولیا، شرکت ونسی (ساخت و ساز)، اریکید (یا اریکوئید)، شرکت چند ملیتی فرانسوی)، گروه ارباس، تکنپ (شرکت خدمات نفت و گاز فرانسوی)... (39)

در زمینه امور سیاسی، نفوذ قطر در طبقه سیاستمداران فرانسوی، در کلیه طیفها و تمایلات سیاسی، بسیار قابل توجه است. در گروه دوستی بین فرانسه و قطر بیش از 50 نماینده مجلس ملی حضور دارند (40). در 19 فوریه 2009، قطر رأی به یکی از قوانین فرانسه را بدست آورد که هواپیماهای قطر را از پرداخت مالیات معاف کرد (41). بر اساس این قانون «ارزش اضافی و درآمد سرمایه های انباشت شده قطر یا «مؤسسات دولتی» به انضمام اموال خانواده امیر در فرانسه را مشمول پرداخت مالیات نمی داند (42). ماده دیگری از این قانون می گوید که سرمایه گذاریها در زمینه ساختمان روی ارزش اضافی از پرداخت مالیات معاف است، و قطریهای مقیم فرانسه طی 5 سال از مالیات روی ثروت معاف هستند.

از بخش فرهنگی نیز رویگردان نبودند، زیرا قطر که به مثابه کشور فرانسوی زبان شهرت خاصی ندارد، در سال 2012 به نام عضو شریک وارد سازمان بین المللی فرانسوی زبانان (فرانکوفون) (OIF) شد. با آگاهی به این امر که دستگاه دیپلماتیک سازمان بین المللی فرانسوی زبانان در مناطق فرانسوی زبانان یا دوستداران فرانسه، برخی شرکت کنندگان در 14 مین گردهمایی سازمان بین المللی فرانسوی زبانان « درباره تمایلات و بلند پروازیهای این کشور در گسترش نفوذش در آفریقای غربی مسلمان و به ویژه تمایلاتش برای ایجاد و تأمین مالی مدارس مذهبی بجای مدارس فرانسوی زبان اظهار نگرانی کردند (43)». اظهار نگرانی کاملاً بجا بنظر می رسد زیرا می دانیم که در آغاز 2012، قطر گروه های جهاد طلبی را که شمال مالی را کنترل می کنند تأمین مالی کرده است(44)

پس از حمله جهاد طلبان بود که فرانسه در ژانویه 2013 مداخله نظامی کرد و برای تأمین امنیت زیر ساخت های هسته ای شرکت آروا [installations nucléaires d'Areva](#) در نیجریه کشور همسایه (45) عملیات سروال Serval را به اجرا گذاشت و در عین حال می خواست منابع عظیم آزاواد Azawad را نیز برای خودش حفظ کند [énormes ressources](#) (طلا، فسفات، گاز، نفت، اورانیوم، آب شیرین) (46).

در واقع شرکت چند ملیتی فرانسوی آروا Areva در بخش انرژی هسته ای از سال 1970 از معدن اورانیوم آرلیت Arlit (در نزدیکی مرزهای الجزایر و مالی) بهره برداری می کند، بعداً طی اکتشافات در 80 کیلومتر به سوی جنوب منابع ناشناخته ای را کشف کردند : به گفته شرکت چند ملیتی فرانسوی آروا منطقه امورارن Imouraren مهمترین معدن اورانیوم در جهان است.

باز هم به گفته آروا، بهره برداری از این معدن، بر اساس گمانه زنی، طی بیش از 35 سال با تولیدی نزدیک به 5000 تن در سال (47) سبد مالی عظیمی را تضمین می کند. ساخت زیربنای ضروری برای بهره برداری از این معدن در 4 مه 2009 آغاز شد (48)، بهره برداری برای سال 2012 پیشبینی شده بود ولی به دلیل سقوط بهای اورانیوم و بی ثباتی ناشی از نا امنی به تاریخ نامشخصی موکول شد. در این چشم انداز است که می توانیم به اهمیت استراتژیک حضور نظامی و ماندگار شدن آن در منطقه ساحل پی ببریم، یعنی امری حیاتی برای کشوری که وابستگی عمیقی به سوخت اورانیوم برای مراکز هسته ای اش دارد (تقریباً 70% مصرف انرژی در فرانسه با انرژی هسته ای تأمین می شود (49)). فرانسه برای دفاع از منافع انرژی خود می تواند روی رئیس جمهور نیجریه محمدو ایسوفو Issoufou Mahamadou حساب کند که از سال 2011 در رأس اداره کشور قرار گرفته است. در واقع محمدو ایسوفو از سال 1980 تا 1985 و سپس از 1985 تا 1991 مدیر معادن ملی در وزارت صنایع و معادن، و در عین حال مدیر بهره برداری و سپس مدیر فنی SOMAIR یکی از شبکه های شرکت چند ملیتی آروا Areva بوده است (اتفاق خیلی کارها را به پیش می برد...و ایشان به

مقام ریاست جمهوری می رسند). هیچ تردیدی وجود ندارد که محمدو ايسوفو منافع کارفرمای قدیمی اش را در گفتگو با دولت نیجریه در مفصل قراردادهای بازرگانی آینده زیر سؤال نخواهد برد، در حالی که بسیاری از انجمن های نیجریه ای خواهان گفتگو برای قراردادهای جدید به نفع مردم نیجریه هستند. ولی سهامداران آروا می توانند آسوده باشند زیرا منافعشان از سوی قدرت حاکم بخطر نخواهد افتاد.

در هر صورت، در مقابل شکست در جستجوی راه حل برای « مشکل امنیتی »، فرانسه به این نتیجه رسیده است که عملیات نظامی سروال Serval که مقدماً به سرزمین مالی محدود می شد را به عملیات بارخان Opération Barkhane توسعه دهد که در اول ماه اوت 2014 آغاز شد. از این پس، این عملیات فرامرزی به بسیج بیش از 3000 سرباز فرانسوی انجامیده که علاوه بر مالی در 4 کشور ساحلی مستقر شده اند : چاد، نیجریه، بورکینا فاسو و موریتانی (عضو 5 کشور ساحلی).

کوتاه سخن، قطر این دوست نزدیک فرانسه با آموزش و تأمین گروه های تروریست در شمال مالی در منطقه نفوذ خود را گسترش می دهد و در عین حال برای فرانسه بهانه و فرصت مناسبی فراهم می کند تا عملیات نظامی اش را در منطقه ساحلی توجیه کند. از چه کسی باید سپاسگذاری کرد؟

Source: [Investig'Action](#)

Notes:

[1] . [Alain CHOUET](#) interviewé par Thinkerview le 16 mai 2013. URL : <https://www.youtube.com/watch?v=0PbXQ97FTHc>. & Alain CHOUET, « [Analyse de la situation en Syrie](#) » (conférence donnée à Nice le 27 juin 2012 à l'invitation de l'Association Régionale Nice Côte d'Azur de l'Institut des hautes études de défense nationale – IHEDN), *LeGrandsoir.info*, 27 août 2012.

[2] . Matthieu ARON, « [Daech : autopsie d'un monstre](#) », *Franceinter.fr*, Émission Secrets d'infos sur France Inter, vendredi 20 novembre 2015.

[3] . Zbigniew BRZEZINSKI, *Le Grand échiquier – L'Amérique et le reste du monde*, Editions Bayard, 1997, p. 249.

[4] . *Idem*, p. 251.

[5] . Oded YINON, « [Une stratégie pour Israël dans les années 80](#) », *Kivunim* n°14, février 1982

[6] . *Idem*.

[7] . *En anglais : Broader Middle East and North Africa (BMENA). [Archives du Département d'Etat des Etats-Unis sur le BMENA](#). & Bahar KIMYONGÜR, *Syriana, la conquête continue*, Investig'Action, 2011, pp. 55-56.*

[8] . Bahar KIMYONGÜR, *Syriana, la conquête continue*, Investig'Action, 2011, p. 110.

[9] . *On y trouve entre autres le stratège Zbigniew Brzezinski, le milliardaire Steve Forbes, l'ancien directeur de la CIA James Woolsey, le théoricien du « choc des civilisations » Samuel Huntington, Paul Wolfowitz, Donald Rumsfeld.*

[10] . *Dirigé par l'ancien colonel et vétéran du Vietnam Robert Helvey.*

[11] . *Dirigé par le milliardaire spéculateur George Soros.*

[12] . *Où l'on trouve entre autres Henry Kissinger, Colin Powell, Madeleine Albright.*

[13] . Bahar KIMYONGÜR, *Syriana, la conquête continue*, Investig'Action, 2011, p. 111.

[14] . *Idem*, p. 113.

[15] . *Ibidem*.

[16] . *Ibidem*.

[17] . *A ce sujet, voir les ouvrages suivants : BENSADA Ahmed, *Arabesque\$, enquête sur le rôle des États-Unis dans les révoltes arabes*, Investig'Action, 2015. COLLON Michel, *Libye, OTAN et médiamensonges : Manuel de contre-propagande*, Investig'Action, 2011. HASSAN Mohamed et LALIEU Grégoire, *Jihad Made in USA*, Investig'Action, 2014. HASSAN Mohamed, COLLON Michel et LALIEU Grégoire, *La Stratégie du chaos, impérialisme et Islam*, Investig'Action, 2011. KIMYONGÜR*

Bahar, Syria, la conquête continue, Investig'Action, 2011.

[18] . HASSAN Mohamed et LALIEU Grégoire, *Jihad Made in USA, Investig'Action, 2014, p. 101.*

[19] . A ne pas confondre avec son homonyme égyptien le Cheikh Mohamed Hassan, un leader salafiste proche des Frères musulmans.

[20] . HASSAN Mohamed et LALIEU Grégoire, *Ibidem.*

[21] . Finian CUNNINGHAM, « [Syria, Bahrain: A Tale of Two Uprisings... One Fabricated, the Other Forgotten](#) », *Globalresearch.ca*, 19 mars 2012.

[22] . « [Al Jazeera fait passer des images de prisonniers irakiens pour des Yéménites](#) », *Youtube.com*, 21 avril 2011. « [Panique sur Al Jazeera: une auditrice irakienne démasque la chaîne qatarie](#) », *Youtube.com*, 17 avril 2011. « [Syria: terrorist confessions & journalists testimony: Al-Jazeera partner in Syrian bloodshed](#) », *Youtube.com*, 22 décembre 2012.

[23] . Eric LESER, « [Comment le Qatar a acheté la France \(et s'est payé sa classe politique\)](#) », *Slate.fr*, 5 juin 2011.

[24] . « [Qui sont les Frères musulmans ?](#) », *Lemonde.fr*, 20 août 2013.

[25] . HASSAN Mohamed, COLLON Michel et LALIEU Grégoire, *La Stratégie du chaos, impérialisme et Islam, Investig'Action, 2011, p. 44.*

[26] . *Idem, p. 51.*

[27] . *Ibidem.*

[28] . Alain GRESH, « [Les islamistes à l'épreuve du pouvoir](#) », *Le Monde Diplomatique*, novembre 2012, pp. 21-21.

[29] . Alain GRESH, « [Rapprochement à petits pas entre l'Arabie saoudite et les Frères musulmans](#) », *Orientxxi.info*, 29 septembre 2015.

[30] . *Ibidem.*

- [31] . *Ibidem.*
- [32] . *Ibidem.*
- [33] . *Ibidem.*
- [34] . « [BP Statistical Review of World Energy](#) », *Bp.com*, June 2014.
- [35] . HASSAN Mohamed et LALIEU Grégoire, *Jihad Made in USA*, *Investig'Action*, 2014, p. 101.
- [36] . Eric LESER, « [Comment le Qatar a acheté la France \(et s'est payé sa classe politique\)](#) », *Slate.fr*, 5 juin 2011.
- [37] . « [Rafale : le contrat avec le Qatar pour la vente de 24 chasseurs est effectif](#) », *Leparisien.fr*, 17 décembre 2015.
- [38] . Eric LESER, *idem.*
- [39] . *Idem.*
- [40] . « [Composition du groupe d'amitié France-Etat de Qatar](#) », *Assemblée-nationale.fr*, 19 juin 2012.
- [41] . « [La France accorde une exonération d'impôts aux avoirs du Qatar](#) », *Bladi.info*, 22 février 2009.
- [42] . *Idem.*
- [43] . « [Francophonie : l'entrée du Qatar comme membre associé fait polémique](#) », *Lemonde.fr*, 13 octobre 2012.
- [44] . Benjamin ROGER, « [Nord-Mali : le Qatar accusé de financer les groupes islamistes de l'Azawad](#) », *Jeuneafrique.com*, 6 juin 2012.
- [45] . Jean GUISNEL, « [Niger : les forces spéciales protégeront les mines d'uranium d'Areva](#) », *Lepoint.fr*, 23 janvier 2013.
- [46] . « [La France nous avait donné son feu vert pour l'indépendance de l'Azawad](#) », *Malijet.com*, 17 janvier 2014.

[47] . « **Niger: AREVA to mine the Imouraren deposit** », *Areva-np.com*, 5 janvier 2009.

[48] . Vincent HUGUEUX, « **Dans l'arène d'Imouraren** », *Lexpress.fr*, 5 mai 2009

[49] . Ghislaine DESTAIS, « **Le nucléaire représente 17 % de la consommation finale en France** », *Reporterre.net*, 10 décembre 2011.

لینک متن اصلی :

<http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-le-qatar-et-le-plan-des-freres-musulmans-410/>

فرانسه پشتیبان تروریستها؟ عربستان سعودی و جهاد طلبان در جبهه النصره

بخش 5

مائل آلبرکا

Maël Alberca

21 ژوئن 2016



عربستان سعودی گروه های تروریست را تأمین مالی می کند، و در این زمینه مدارک به روشنی این واقعیت را ثابت می کند. ولی با وجود این، دولت فرانسه که پس از حملات تروریستی به پاریس وارد جنگ شده است، به مناسبات دوستانه و ممتازش با رژیم سلطنتی و نفتی ادامه می دهد. مناسبات فرانسه با شورشیان سوریه نیز ابهامات و پرسش های دیگری را

مطرح می کند. آیا برای دولت فرانسه تروریست خوب و بد وجود دارد؟



فیلیپ لامبر Philippe Lamberts

نماینده سبز اروپا فیلیپ لامبر یادآوری می کند که « عربستان سعودی نخستین انبار ذخیره سلفی گرائی وهابی است و بر اساس این امر در ریشه دواندن این تغییر مرگبار از اسلام مسئولیت بزرگی را حمل می کند (1)». در واقع، عربستان سعودی برای تحقق بلند پروازیهایش، و دستیابی به قدرت برتر منطقه ای و گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی اش در سازماندهی گروه های تروریست و تأمین مالی و به همین گونه تدارک جنگ افزار برای آنان تردیدی بخود راه نمی دهد.

درباره این موضوع چندین شاهد گواه بر این امر است که شبکه های جهاد طلب از سوی سعودیهای پر نفوذ از جمله از سوی خاندان حاکم تأمین مالی شده اند. زکریا موسوی که در آماده کردن حمله تروریستی 11 سپتامبر 2001 در ایالات متحده به قید سوگند در یک پرونده به تاریخ اکتبر 2014 اعتراف کرده است که « القاعده از سوی اعضای خاندان سلطنتی آل سعود کمک مالی دریافت کرده است (2) ». او در عین حال اعتراف کرده است « که در چشم انداز حمله تروریستی علیه رئیس جمهور ایالات متحده با یک دیپلمات سعودی ملاقات داشته و علاوه بر این در توطئه بمب گذاری در سفارت ایالات متحده در لندن در سال 1999 شرکت داشته است (3)». در همان پرونده، او چند نفر از اعضای خاندان سلطنتی عربستان سعودی را متهم به تأمین مالی القاعده می داند : شاهزاده ترکی الفیصل (رئیس سرویس های مخفی سعودی از سال 1979 تا 2001 و

سپس سفیر عربستان سعودی در ایالات متحده از سال 2005 تا 2007)، شاهزاده بندر بن سلطان (4) (سفیر در ایالات متحده از سال 1983 تا 2005 سپس مدیر سرژیس های مخفی از سال 2012 تا 2014)، و شاهزاده الولید بن طلال (بازرگان میلیاردی سعودی). بررسی این اعترافات مشکل است زیرا 28 صفحه این پرونده درباره 11 سپتامبر که به پیوندهای بین عربستان سعودی و القاعده می پردازد به آرشیوهای سری سپرده شده است (5). باب گراهام Bob Graham سناتور قدیمی ایالات متحده می گوید علاوه بر این پرونده 28 صفحه ای « شرکت مستقیم دولت سعودی در تأمین مالی حملات تروریستی 11 سپتامبر [...] ما نشان دادیم که [سعودیها] دست به هر کاری بزنند، برای آنان مصونیت وجود خواهد داشت. در نتیجه سعودیها به پشتیبانی از القاعده ادامه دادند، و اخیراً نیز از دولت اسلامی (داعش) پشتیبانی اقتصادی و ایدئولوژیک به عمل آوردند. ما نخواستیم واقعیت را رو در رو ببینیم، و این امر به موج تازه ای از افراط گرایی انجامید و سرانجام پاریس زیر ضرب قرار گرفت(6)».

سین کارتر Sean Carter، یکی از وکلای دعاوی قربانیان 11 سپتامبر به سهم خود گفته است که « سازمانهای نیکوکاری که دولت سلطنتی سعودی برای تبلیغ ایدئولوژی افراطی وهابی ایجاد کرد، طی دهه ای که به 11 سپتامبر انجامید، لوژیستیک و امور مالی القاعده را تأمین می کردند (7)».

روزنامه نگار نیویورکر New Yorker Seymour Hersch در سال 2007 گزارش داد که « بازیگران کلیدی عبارتند از سعودیها، و البته بندر بن سلطان که به شکل خصوصی با کاخ سفید و دیک چنی Dick Cheney و الیوت أبرامز Elliott Abrams به توافقاتی رسیده اند. موضوع این است که عربستان سعودی از گروه های مختلف سنی افراطگرا و جهاد طلب پشتیبانی مالی به عمل آورده است (8) ». به گفته بهار کیمیونگور Bahar Kimyongür نویسنده مقاله « اینگونه بود که بندر/ بوش شکافهای مذهبی در لبنان و سوریه را تغذیه می کنند، همان گونه که مشاوران انگلوساکسون آنان در عراق همین برنامه را پیاده کردند (9). او از یک دیپلمات اروپائی در بیروت نقل قول آورده است و می گوید : « عراقی سازی صحنه لبنان کاملاً با سیاست « هرج و مرج سازنده » تطبیق می کند که نئو محافظه کاران آمریکائی سعی می کنند در همه کشورهای خاور نزدیک و میانه به کار ببندند (10) ».

در چشم انداز گسترده تر تاریخی و جغرافیای سیاسی، کتاب « استراتژی شوک » نوشته محمد حسن، بخوبی توضیح داده شده است که چگونه ایالات متحده طی دومین نیمه قرن بیستم در کنترل نفت خاورمیانه و به ویژه نفت عربستان سعودی بریتانیا را کنار زد (11).

علاوه بر این، آلن شویه Alain Chouet (رئیس اسبق سرویس اطلاعات و امنیت فرانسه) در یکی از مصاحباتش (interview)

در سال 2013 گفت که جبهه النصره، گروه سلفی مسلک و جهاد طلب یکی از شاخه های القاعده، همه قطعاتش کاملاً توسط سرویس های ویژه عربستان سعودی ایجاد شده است (12). در حالی که جبهه النصره از دسامبر 2012 در فهرست سازمانهای تروریستی در ایالات متحده به ثبت رسیده و به همینگونه از ماه مه 2014 در فهرست سازمانهای نزدیک به القاعده در سازمان ملل متحد شناسائی شده است (14). مبارزان جبهه النصره در سرزمینهای که زیر کنترل خود می گیرند، رفتار تنبیهی و خشونت آمیز را به کار می بندند که از شریعت اسلام برآمده و اهالی را با اعمال زور به دین اسلام « دعوت می کنند» (به ویژه در خصوص دروزها)، قطع دست، به صلیب کشیدن، یا محاکمه خیلی مختصر زنان به جرم زنا و صدور دستور برپا اجرای اشد مجازات، یعنی مرگ از جمله فعالیت های آنان را تشکیل می دهد (15). جبهه النصره از سال 2011 مسئول 200 عملیات انتحاری بوده که به کشته شدن هزاران نفر انجامیده است. علاوه بر این، گروه از حملات تروریستی به پاریس در 13 نوامبر 2015 پشتیبانی کرد و اعلام داشت که آرزویش این بود که چنین کاری را جبهه النصره انجام می داد (در واقع برای آنان جای بسی تأسف داشت که چرا سر منشأ این حمله تروریستی نبوده اند) (16).

چگونه می توانیم نسبت به سخنرانی وزیر امور خارجه فرانسه لوران فابیوس Laurent Fabius در دسامبر 2012 بی اعتنا باقی بمانیم، وقتی که در خصوص « شورشیان سوریه » وابسته به شبکه القاعده می گفت « در محل، کار مفیدی انجام می دهند » (17) ؟ شورشیانی که «فرانسه به آنان توپ، مسلسل، راکت انداز و موشک ضد تانک تحویل داده است (18)». علاوه بر این فرانسه اعتراف کرده است که بخشی از جنگ افزارهایی که به ارتش آزاد سوریه تحویل داده به دست گروه های جهاد طلب در سوریه افتاده است (19)، زیرا ارتش آزاد سوریه و جبهه النصره گاهی در کنار یکدیگر علیه ارتش سوریه می جنگند. از سوی دیگر فرماندهی نیروهای آمریکائی در خاور میانه (CENTCOM) در 4 سپتامبر 2015 [a reconnu le 4 septembre](#) 2015 اعتراف کرده است که از بین « شورشیان » آنانی که توسط ایالات متحده آموزش دیده بودند 25% تجهیزات نظامی خودشان را به جبهه النصره تحویل داده اند [25 % de leur équipement militaire](#)، از جمله ماشین و وانت و مهمات (20).

با وجود این، آلن شویه یادآوری می کند که « با مسلح کردن سلفیها نیست که می توانیم به جستجوی راه حل امیدوار باشیم » و اضافه می کند « از دو سال پیش، فرانسه به اپوزیسیونهای سوری کمکهای لوژیستیک و فنی رسانده، و علاوه براین آموزش و تمرین تروریست های جهاد طلب اسلامگرا را با مشاورت سرویسهای ویژه با دستپارای همکاران بریتانیائی و آمریکائی به عهده داشته است [...] به محض اینکه یک وزیر امور خارجه اعلام کند که می خواهد برای گروه های خارجی به هدف سرنگونی رژیم حاکم کشورشان اسلحه بفرستد، با وجود مخالفت مقامات بین المللی، در این صورت

وارد نوعی جدید و خطرناک از نقض قانون بین المللی می شویم (21)».

علاوه بر این یادآوری کنیم که فرانسه در سوریه دارای منافع اقتصادی ست. البته حجم مبادلات بازرگانی بین دو کشور نسبتاً فروتنانه است : در سال 2010، فرانسه از سوریه 405 میلیون یورو کالا وارد کرده است (که 285 میلیون یورو از آن مربوط به نفت بوده)، و 332 میلیون یورو از کالاهای خود را به سوریه صادر کرده است (22). ولی در این دهه های گذشته شرکتهای چند ملیتی فرانسوی در سوریه جای مهمی برای خودشان باز کردند، به ویژه در صنایع نفت. توتال در سال 1988 یک شرکت مشترک برای گسترش بهره برداری از ذخیره نفت دیرالزور در شرق سوریه ایجاد کرد(23). بعداً، گروه های فرانسوی دیگر در سوریه فعال شدند : بل Bel در سال 2005، لافارژ Lafarge در سال 2010، ایر لیکید Air liquide در سال 2011 (24).

به عربستان سعودی بازگردیم. مقاله ای در روزنامه انترنتی Huffington Post فهرستی شامل 10 دلیل برای مخالفت با رژیم سلطنتی سعودی را منتشر کرده است [10 raisons de s'opposer à la monarchie saoudienne](#). این مقاله می گوید که « سعودیها تروریسم را در سطح جهانی تأمین مالی می کنند »، و یادآور می شود که « از 19 نفری که در حمله تروریستی 11 سپتامبر 2001 شرکت داشته اند، 15 نفر از آنان از اهالی عربستان سعودی بوده اند (25)».

یک پیغام الکترونیک دیپلماتیک در ویکیلیکس افشا کرد که وزیر امور خارجه هیلاری کلینتون بر این باور بوده است که « تأمین کنندگان مالی در عربستان سعودی مهمترین منبع مالی گروه های تروریستی سنی مذهب در سراسر جهان بوده اند. [...] عربستان سعودی پایگاه اصلی پشتیبانی مالی برای القاعده، طالبان، لشکر طیب و دیگر گروه های تروریستی از جمله حماس است، که احتمالاً میلیونها دلار هر ساله از منابع سعودی، غالباً طی مراسم حج (26) و رمضان (27)، برداشت می شود». سپس این مقاله مشخصاً می گوید که « بسیاری از کارشناسان و از جمله باب گراهام Bob Graham نویسنده پرونده هیئت تجسسی 11 سپتامبر بر این باورند که دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) محصول اندیشه های سعودی، پول سعودی و پشتیبانی سازمانی از سوی سعودیها بوده است (28)».

در فقدان رضایت خاطر از تأمین مالی تروریسم جهاد طلب بین المللی، دولت سعودی تمایلات خاصی برای اعمال شکنجه، قطع عضو، اعدام کودکان (29)، بریدن سر، به صلیب کشیدن، محدودیت در شیوه بیان و آزادی عقیده، نقض حقوق بشر و تحمیل موازین شرم آور به زنان دارد. تا جایی که پیوند مقدس ضد کمونیستی سازش ناپذیر سالهای 1970 بین دولت نیکسون

و رژیم سلطنتی آل سعود می تواند زیر سؤال برود، همانگونه که انجمن زنان برای صلح [Code Pink](#) اعلام کرده است.

سازمان غیر دولتی عفو بین الملل رائف بدوی را نمونه ای نمادینه از محدودیت آزادی در عربستان سعودی می داند «رائف بدوی یکی از مؤسسان وب ساینی به نام « شبکه لیبرال سعودی» است که به اتهام توهین به اسلام در این وب سایت در تاریخ هفتم ماه مه سال 2014 در یک دادگاه کیفری در جده به 10 سال زندان، تحمل 1000 ضربه شلاق و پرداخت جریمه به مبلغ یک میلیون ریال عربستان (حدود 226000 دلار آمریکا) و ممنوعیت مسافرت برای او طی 10 محکوم شد. جرم او ایجاد انجمن گفتگو در «شبکه لیبرال سعودی» (30) و بر اساس گزارش سالانه 2014-2015 عفو بین الملل در خصوص عربستان سعودی از بازداشت اختیاری، اعمال شکنجه، نقض آزادی بیان و آزادی انجمن و گردهمایی، تبعیض نسبت به اقلیت شیعه و زنان، تبعیض نسبت به مهاجران، و محکومیت « در چهار چوب دادگاه نا عادلانه » یاد شده است (31).

آخرین نمونه ثبت شده به تاریخ 2 ژانویه 2016 اجرای حکم مرگ 47 نفر از جمله فقیه شیعه عربستانی شیخ نمر باقر النمر بود که به اقتدار گرایی رژیم سعودی اعتراض می کرد (32). برادر زاده او علی محمد باقر النمر نیز به همان سرنوشت تهدید شده است، زیرا او در سال 2011، (در این سال او 17 ساله بوده) در تظاهراتی صلح آمیز علیه رژیم سعودی شرکت کرده است (33). در حالی که به گزارش سازمان غیر دولتی رپریو Reprieve (سازمان غیر انتفاعی در سراسر جهان که برای الغای حکم مرگ مبارزه می کند، با توجه ویژه به پشتیبانی حقوقی به نفع افرادی که چنین حکمی بیانشان صادر می شود) (34). علیه این مرد جوان که امروز 21 ساله است، حکم مرگ با قطع گردن و سپس به صلیب کشیده شدن بدن او و نمایش عمومی آن تا پوکیدن گوشت تن محکوم بر اساس موازین قضائی رایج در عربستان سعودی، در سال 2015، 153 نفر در این کشور به این شکل محکوم به مرگ شده اند (35).

Source: [Investig'Action](#)

Notes:

[1] . Philippe LAMBERTS, « [Attentats de Paris](#) » , *Philippelamberts.eu* (sur son blog de député européen), 16 novembre 2015.

[2] . Eugénie BASTIE, « [Financement d'al-Qaida : un témoignage accablant l'Arabie saoudite](#) », *Lefigaro.fr*, 5 février 2015. & Shane SCOTT,

« Moussaoui Calls Saudi Princes Patrons of Al Qaeda
», *Nytimes.com*, 3 février 2015.

[3] . *Idem*.

[4] . **Surnommé « Bandar Bush » pour sa proximité avec George H. W. Bush et George W. Bush.**

[5] . Michel COLOMES, « [L'Arabie saoudite a-t-elle financé le 11 Septembre ?](#) », *Lepoint.fr*, 4 février 2015.

[6] . Laure MANDEVILLE, « [11 Septembre : ces 28 pages qui menacent l'axe Washington-Riyad](#) », *Lefigaro.fr*, 2 février 2015.

[7] . *Idem*.

[8] . Seymour HERSCH, interviewé par CNN le 27 mai 2007, cité in Bahar KIMYONGÜR, *Syriana, la conquête continue*, *Investig'Action*, 2011, p. 130-131.

[9] . Bahar KIMYONGÜR, *Syriana, la conquête continue*, *Investig'Action*, 2011, p. 131.

[10] . *Ibidem*.

[11] . Pour le cas particulier de l'Arabie Saoudite : HASSAN Mohamed, COLLON Michel et LALIEU Grégoire, *La Stratégie du chaos, impérialisme et Islam*, *Investig'Action*, 2011, pp. 123-169

[12] . [Interview d'Alain CHOUET](#) par Thinkerview le 16 mai 2013. URL : <https://www.youtube.com/watch?v=0PbXQ97FTHc> (2min40-3min50)

[13] . Lauren WILLIAMS, « [Pourquoi le Front al-Nosra représente le juste milieu pour de nombreux Syriens](#) », *Middleeasteye.net*, 30 avril 2015.

[14] . « [Security Council Committee pursuant to resolutions 1267 \(1999\) and 1989 \(2011\) concerning Al-Qaida and associated individuals and entities QDe.137 AL-NUSRAH FRONT FOR THE PEOPLE OF THE LEVANT](#) », 14 mai 2014.

- [15] . *Idem.*
- [16] . Alex MACDONALD« [Le Front al-Nosra soutient les attentats de Paris, malgré son opposition avec l'État islamique](#) », *Middleeasteye.net*, 18 novembre 2015.
- [17] . Isabelle MANDRAUD & Gilles PARIS, « [Pression militaire et succès diplomatique pour les rebelles syriens](#) », *Lemonde.fr*, 13 décembre 2012. & [Interview de Laurent FABIUS](#) en décembre 2012, *TV5 Monde*, 1min34, URL : <https://www.youtube.com/watch?v=GyYd7FEMQog>.
- [18] . « [France delivered weapons to Syria rebels, book reveals](#) », *Dailymail.co.uk*, 6 mai 2015.
- [19] . « [Daesh – Autopsie d'un monstre](#) », *France Inter*, 20 novembre 2015, URL : <https://www.youtube.com/watch?v=36YQKjBckcs>
- [20] . « [Syrie: Des rebelles formés par les Américains remettent des munitions à Al-Qaïda](#) », *20minutes.fr*, 26 septembre 2015. & *Euronews* : https://www.youtube.com/watch?v=DT_qMVGODuQ
- [21] . Alain CHOUET , « [Ce n'est pas en armant des salafistes qu'on trouvera une solution](#) », *Lepoint.fr*, 16 mars 2013.
- [22] . Hubert BONIN, « [La Syrie, compagne de route des intérêts français](#) », *Lemonde.fr*, 14 février 2014.
- [23] . *Idem.*
- [24] . *Idem.*
- [25] . Medea BENJAMIN, « [10 Reasons to Oppose the Saudi Monarchy](#) », *Huffingtonpost.com*, 24 septembre 2015.
- [26] . Pèlerinage aux lieux-saints de La Mecque.
- [27] . « [US embassy cables: Hillary Clinton says Saudi Arabia 'a critical source of terrorist funding'](#) », *Theguardian.com*, 5 décembre 2010.

- [28] . Medea BENJAMIN, *idem*.
- [29] . « [Stop Execution of Three Saudi Youths!](#) », *Codepink.org*.
- [30] . « [#JESUISRAIF](#) », *Amnesty.fr*, 29 octobre 2015.
- [31] . « [Le rapport Arabie saoudite 2014/2015](#) », *Amnesty.org*.
- [32] . Benjamin BARTHE, « [Al-Nimr, l'exécution qui cristallise la colère entre l'Iran et l'Arabie saoudite](#) », *Lemonde.fr*, 3 janvier 2016.
- [33] . PERRIN Jean-Pierre, « [Ali Mohammed al-Nimr bientôt décapité au nom de la guerre sunnites-chiites](#) », *Liberation.fr*, 23 septembre 2015.
- [34] . « [Fears that Saudi Arabia is set to 'crucify' juvenile prisoner](#) », *Reprieve.org.uk*, 15 septembre 2015.
- [35] . « [Arabie saoudite : nouvelle exécution capitale, déjà la 48ème cette année](#) », *Leparisien.fr*, 4 janvier 2016.

لينک متن اصلی :

<http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-larabie-saoudite-et-les-jihadistes-dal-nosra-510/>

فرانسه پشتیبان تروریستها؟ ایالات متحده و جنگهای پی در پی

بخش 6

مائل آلبرکا
Maël Alberca

23 ژوئن 2016



موضوع این نوشته بررسی جزئیات نفرت انگیز جنایاتی نیست که ایالات متحده در طول تاریخ مرتکب شده، ولی در اینجا صرفاً به یادآوری ارقام تراژیکی بسنده خواهیم کرد که حاصل جنگهایی بوده که ایالات متحده در نیمه دوم قرن بیستم در آنها شرکت داشته است.

اگر غربیها دوران پس از جنگ دوم جهانی را « جنگ سرد » بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی می نامند، ولی دیگر

مناطق دنیا باید نتایج بسیار گرم برخورد ایدئولوژیک شرق و غرب را تحمل می کردند

از سال 1950، ایالات متحده در 30 جنگ شرکت داشته و با بمباران چندین کشور میلیونها قربانی بر جا گذاشته است : جنگ کره (1950-1953)، گوآتمالا (1954)، سپس در سال 1960، و یک بار دیگر (1967-1969)، اندونزی (1958)، کوبا (1959-1961)، کنگو (1964)، لائوس (1964-1973)، ویتنام (1973-1961)، کامبوج (1969-1970)، گرانادا (1983)، لبنان (1984-1983)، لیبی (1986)، سپس (2011)، کویت (1991)، سومالی (1993)، سپس 2007-2008، و یک بار دیگر 2011 و باز هم در سال 2015، بوسنی (1994-1995)، سودان (1998)، افغانستان (1998)، و سپس (2001-2014)، یوگوسلاوی (1999)، یمن (2002)، سپس 2009، و یک بار دیگر در سال 2011 و سپس (2015)، پاکستان (2007 تا امروز)...

پژوهشگر ایالات متحده آمریکا میکاه زنکو Micah Zenko بر اساس محاسبه اعلام کرده است که ایالات متحده فقط در سال 2015، بیش از 23000 بمب روی عراق، سوریه، افغانستان، یمن و سومالی پرتاب کرده است (1). موضوع شگفت آور این است که پنتاگون شمار قربانیان را در بمبارانهای ایالات متحده 6 نفر اعلام کرده، یعنی تعدادی که نسبت به حجم شدید بمبارانها خیلی غیر واقعی بنظر می رسد.

U.S. BOMBS DROPPED IN 2015 (All Weapons Platforms)

Iraq/Syria	22,110
Afghanistan	947
Pakistan	11
Yemen	58
Somalia	18
Total	23,144

تابلو از مقاله
میکاه زنکو
برگرفته شده
است. [How Many Bombs Did the United States Drop in 2015?](http://HowManyBombsDidtheUnitedStatesDropin2015?),
Blogs.cfr.org,
7 janvier
2016.

فرانسه عضو تمام عیار اتحادیه ضد داعش در عراق و سوریه، به سهم خود طی عملیات «شمل» l'opération Chammal که در سال 2014 شروع شد تا 3 دسامبر 2015، 2500 خروج هوایی در 331 حمله هوایی، 680 بمب پرتاب کرده 2.500

[sorties aériennes](#) و بر اساس ترازنامه رسمی 580 هدف را تخریب کرده است (2).

حملات تروریستی 13 دسامبر 2015 در پاریس دو پیامد مهم برای ارتش فرانسه داشت: (1) اعلام وضعیت اضطراری و تقویت عملیات سانتینل « [opération Sentinelle](#) » (نزدیک 13000 نظامی در سراسر خاک ملی فرانسه بسیج شدند (3). مخارج این عملیات از ژانویه 2015، یک میلیون یورو در روز (4) تخمین زده شده است. (2) افزایش حملات هوایی در عراق و سوریه.

مرکز فرماندهی ارتش فرانسه با افتخار اعلام کرده است که از آغاز مرحله تشدید عملیات هوایی (15 نوامبر 2015)، تعداد خروج هواپیماها دو برابر بوده (میان گین خروج هواپیماها در هفته 63 خروجی اعلام شده است) (5). وزیر دفاع فرانسه ژان ایو لو دریان Jean-Yves Le Drian تعداد تلفات جهاد طلبان در عملیات نظامی اتحادیه ضد داعش در عراق و سوریه را از تابستان سال 2014، 22000 نفر اعلام کرده است که تقریباً هزار نفر از آنان زیر بمبارانهایی که توسط نیروی هوایی فرانسه صورت گرفته کشته شده اند (6). ولی آقای وزیر از تعداد « قربانیان جانبی » چیزی نمی گوید، در حالی که همین آقای وزیر به مناسبت شادباش به حملات هوایی به روشنی اعلام کرده است که جهاد طلبان « در جمعیت غیر نظامی حل می شوند و به این شکل پناه می گیرند » (7).

گاها- ساپیر Guha-Sapir مدیر مرکز پژوهشهای بیماریهای همه گیر و مصیبتهای طبیعی [Centre for Research on the Epidemiology of Disasters](#). اعلام کرد که در سوریه مردم به آموزش مناسب و شرایط بهداشتی مناسبی برخوردار بوده اند و « مداخله نظامی جامعه بین الملل تقریباً هرگز نتیجه مثبتی نداشته است (8) ». او با اطمینان می گوید که « بمباران دقیق یا تاکتیک وجود ندارد (9) ». واقعیت این است که شهروندان غیر نظامی بهای سنگینی در حملات هوایی می پردازند. برای مثال، می توانیم از بمباران بیمارستان قندوز در افغانستان توسط نیروی هوایی ایالات متحده در 3 اکتبر 2015 یاد کنیم که موجب کشته شدن 30 نفر که 13 نفر از آنها از کارمندان پزشکان بدون مرز بودند. به گفته سازمان غیر دولتی این حمله علیه پزشکان و شهروندان غیر نظامی « به هدف کشتن و تخریب انجام گرفته بود (10) » و آن را باید به مثابه جنایت جنگی تلقی کنیم.

در واقع، ماده 51 از پیوند نامه پیوستی (یا پروتکل الحاقی) در منشور ژنو مورخه 12 اوت 1949 درباره حفاظت از قربانیان جنگهای بین المللی مقرر می دارد که « مردم غیر نظامی و افراد عادی در مقابل خطرات ناشی از عملیات نظامی باید از حفاظت عمومی برخوردار باشند [...] نه مردم شهروند و نه اشخاص غیر نظامی نباید هدف حمله قرار بگیرند. اعمال یا تهدیدات خشونت آمیز که هدفش صرفاً پراکندن وحشت بین شهروندان غیر نظامی می باشد، ممنوع است. [...] حمله

نظامی بی آن که تفکیکی وجود داشته باشد [...] حملاتی که می تواند به تلفات انسانی بین مردم غیر نظامی و یا زخمی شدن آنان بیانجامد، خسارات مادی به اموال غیر نظامی یا ترکیبی از تلفات و خساراتی که نسبت به چشم انداز انتظار در کسب برتری نظامی خیلی فراتر بنظر می رسد (11) ممنوع است». برای مثال، حمله هوائی ایالات متحده به بیمارستان قندوز، علاوه بر غیر اخلاقی بودن آن، خلاف حقوق بین الملل است.

سایت بسیار خوب Aiwars.org به شکل روزمره آمار حملات هوائی اتحادیه و به همینگونه تعداد تلفات غیر نظامی در عراق و سوریه را منتشر می کند. در 18 آوریل 2016 و پس از 621 روز اردو، این سایت 11695 حمله هوائی از سوی اتحادیه را اعلام کرد (7911 در عراق، و 3784 در سوریه) یعنی بطور مشخص اتحادیه 41697 بمب و موشک روی این دو کشور پرتاب کرده است (12).

بین 14 آوریل و 18 آوریل 2016، یعنی پس از دوسال حمله هوائی سنگین، بیش از 3000 شهروند غیر نظامی که به جمع مبارزان تعلق نداشته اند در عراق و سوریه زیر حملات هوائی اتحادیه کشته شده اند [3.000 civils non-combattants](http://3.000.civils.non-combattants) (13). با وجود این، ارقام اعلام شده نظر به مشکلات رفت و آمد و نبود امکانات تجسسی دقیق و اطمینان از اعتبار منابع خبری، خیلی از واقعیت فاصله دارد.

در واقع، وضعیت بگونه ای ست که حتا چندین کشور عضو اتحادیه عملیات نظامی خود را اعلام نمی کنند. در نتیجه، حقیقت درباره شمار قربانیان غیر نظامی در حملات هوائی فرانسه، ایالات متحده و دیگر کشورهای اتحادیه احتمالاً پس از سالها بررسی و بازگشایی آرشیوهای محرمانه ممکن خواهد بود.

Transparency of action by Coalition member				
	Frequency of reports	Locations given	Date of strikes given	Munitions/ strike numbers released
Canada	As they occur	Yes	Yes	Yes
UK	Weekly	Intermittent	Yes	Yes
US	Daily*	Occasional	Yes*	Yes
France	Weekly	Occasional	Within a range	Yes
Denmark	Weekly	No	Within a range	Yes
Australia	Monthly	No	No	Yes
Saudi Arabia	Occasional	No	Occasional	Occasional
Jordan	Occasional	No	Occasional	Occasional
UAE	Occasional	No	Occasional	Occasional
Netherlands	Weekly	No	No	Occasional
Belgium	Occasional	No	No	No
Bahrain	None	No	No	No

* US reporting subsumed into coalition daily reports

Airwars.org

علاوه بر این، پشتیبانی ایالات متحده از گروه های سلفی و جهادطلب در چهارچوب اهداف جغرافیای سیاسی دائماً از سوی اعضای ارتش ایالات متحده یا سرویس های اطلاعاتی افشا شده است. سرهنگ ارتش ایالات متحده و رئیس پیشین آژانس اطلاعات دفاعی انسانی Defense Human Intelligence Service (DHS) (مترجم : تکیه روی نیروی انسانی است نه فن آوری. متأسفانه در این زمینه به زبان فرانسه مطلبی نیافتم ولی حدس می زنم که برخی مأموران این سازمان اطلاعاتی باید از بین کارشناسان علوم اجتماعی نیز باشند) در بطن آژانس اطلاعات دفاعی Defense Intelligence Agency (DIA) پاتریک لانگ W. Patrick Lang با افشاگریهایش نشان داده است که ایالات متحده از جبهه النصره، شبکه القاعده در سوریه پشتیبانی کرده است زیرا علیه رژیم بشار اسد می جنگد. در حالی که « از سال 2012، ژنرال فلین Flynn [رئیس آژانس اطلاعات دفاعی بین 2012 و 2014] می دانست که النصره منافع غربیها را تهدید می کند و هدف این دسته از جهاد طلبان ایجاد امارات اسلامی بر اساس موازین و شریعت اسلام است (14)».

این اتهام سنگین بخشی از مسئولیت گسترش گروه های تروریست از شبکه های وابسته به القاعده را نسبت می دهد که به تشکیل دولت اسلامی در عراق انجامید. در 9 آوریل 2013، رئیس دولت اسلامی ابوبکر البغدادی اعلام کرد که جبهه النصره شاخه ای از دولت اسلامی در عراق و سوریه است و ادغام امارات اسلامی در عراق و النصره به هدف تشکیل دولت اسلامی در عراق و سوریه انجام گرفته است (15). سپس این اعلامیه از سوی جبهه النصره مردود اعلام شد، زیرا خود را یگانه شاخه القاعده در سوریه می داند، بر اساس این امر انشعاب و رقابت بین جبهه النصره به پشتیبانی ایالات متحده و دولت اسلامی به مثابه دشمن و هدف جنگی ایالات متحده به وقوع پیوست.

پشتیبانی ایالات متحده از گروه های اسلامگرا علیه کشورهای کمونیست یا کشورهای طرفدار شوروی موضوع تازه ای نیست و به تاریخ جنگ دوم جهانی باز می گردد، در واقع ایالات متحده استراتژی قدیمی شبکه هائی را به کار بست که پیش از این رژیم نازی برای مبارزه علیه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به وجود آورده بود و از آنان به مثابه ابزار و « دشمن داخلی» استفاده می کرد. در واقع، « آلمانها طی جنگ دوم جهانی از چچنها، قزاقها، ازبکها، مسلمانانی که در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی زندگی می کردند علیه کمونیستهای خدا ناباور استفاده می کرد. آمریکائی ها همین ساز و کار را تکرار کردند، یعنی با پشتیبانی از اسلامگرایان علیه جبهه کمونیستها و اقمارشان (16)».

بعداً، سازمان تروریست القاعده، بنیانگذاری شده در سال 1987 بدست عبدالله یوسف مصطفی عزام و اسامه بن لادن، به شکل گسترده از سوی ایالات متحده در چهار چوب مبارزات

ایدئولوژیکشان علیه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی پشتیبانی شد. با عملیات سیکلون (Operation Cyclone 1992-1979) سازمان سیا مجاهدین افغان را مسلح کرد تا با جلوگیری از تهاجم روسها، سقوط امپراتوری شوروی را تسریع کنند. در کوران این جنگ، ایالات متحده و عربستان سعودی هریک بیش از سه میلیارد دلار برای مسلح کردن مجاهدین خرج کردند (17)، اسامه بن لادن در آن دوران نماینده شاهزاده ترکی الفیصل و رئیس سرویسهای اطلاعاتی سعودی بود (18). همین سرویسهای اطلاعاتی بودند که به حساب سازمان سیا در بانکهای سوئیس پول می ریختند و متعاقباً برای خرید و ارسال اسلحه به مقصد مجاهدین استفاده می کردند (19). جنگی که ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیز شوروی را در خاک افغانستان طی دهه 80 در مقابل یکدیگر قرار داد (طی آن چیزی که هنوز با بی اعتنائی « جنگ سرد » می نامند، در واقع به بهای جان بیش از 1240000 نفر انجامید که 80% آنان از بین مردم عادی و شهروندان غیر نظامی بودند (20).

در این زمینه به حرفهای بهار کیمیونگور درباره چیزی که « کمربند سبز عمو سام » می نامد گوش کنیم : « در آغاز سالهای 1980، ناسیونالیستها، مارکسیستها و اقلیتهای مذهبی در کشورهای عرب و مسلمان قربانی بربریت جهادطلبان مسلحی بودند که ایالات متحده و همپیمانان محلی او مثل عربستان سعودی و پاکستان آنان را مسلح و تأمین مالی می کردند. در آن دوران، طی عملیات «سیکلون» سازمان سیا، مردان مسلح گلبدین حکمتیار رئیس حزب اسلامی با بمب و راکت کمونیستهای افغان و ترقی خواهان از جمله « آخوندهای سرخ » را تکه پاره می کردند. سه دهه بعد، مجهز به قلابی به نام القاعده، این کمربند سبز به شکل اجتناب ناپذیری دور گردن اقلیتهائی که در سوریه زندگی می کردند فشرده شد. سه دهه بعد، پشت سر اوپاما دوباره همان زیبگنیف برژینسکی (21) مشهور را در نقش آتش بیار جنگ می بینیم، یعنی نظریه پردازی که در عین حال مبتکر کمربند سبز نیز بود (22)»

در نتیجه، ایالات متحده نه فقط به پشتیبانی از القاعده در اهدافش برای سرنگونی دولت بشار اسد ادامه می دهد، بلکه بیش از 35 سال پیش در منشأ این پدیده جهاد طلب در افغانستان بوده است. در گذر زمان، اسامی تغییر کرده ولی اهداف یکسان باقی مانده است. در آن دوران هدف مبارزه علیه کمونیسم شوروی بود، امروز مبارزه علیه سوسیالیسم پان عرب که حزب بعث پرچمدار آن است و بشار اسد نیز از آن دفاع می کند. در واقع، حزب بعث یکی از تمایلات اصلی ناسیونالیسم انقلابی عرب است، و هدفش نیز از بین بردن اختلاف طبقاتی و تبعیض می باشد (23)» (ماده 32 از منشور حزب). یعنی موضوعی که برای طبقه سرمایه دار بین المللی، به ویژه نظام فکری نئو محافظه کاران ایالات متحده و اروپا تصور پذیر نیست.

اسامه بن لادن و سازمان او که باید آن را مقدمه ای بر تأسیس القاعده تلقی کنیم، سر نیزه مبارزه علیه کمونیسم در پایان قرن بیستم بود. در آغاز قرن بیست و یکم، دولت اسلامی (داعش) جایگزین این گروه تروریستی شد. نقش دولت اسلامی تا کنون جلوگیری از اتحاد « کمان شیعه » (ایران، عراق، سوریه و حزب الله لبنان) و سپس به تأخیر انداختن گسترش جهان چند قطبی در جبهه کشورهای بریکس بوده است.

ایدئولوژی وهابی سلفی که به ضرب دلارهای نفتی و گازی در سراسر جهان تبلیغ می شود با نئولیبرالیسم اقتصادی همخوانی دارد. هر دو ایدئولوژی در پیوند با یکدیگر در تداوم نظام حاکمی می کوشند که می تواند تعمیق نابرابری را بیش از پیش بین طبقه ثروتمند یعنی اقلیتی ناچیز و توده های وسیع مردم فقیر و سرکوب شده تضمین کند. کوتاه سخن: موضوع اتحاد بین نظریه سرمایه داری خدشه ناپذیر و ایدئولوژی مذهبی مرگباری است که تروریسم بین المللی را در خدمت ضد انقلاب به کار می اندازد تا مانع رهائی توده ها شود.

آیا باید در اینجا از پیوندهای همخوانی با محارم بین خاندان بن لادن و خاندان بوش در گروه کارلایل Carlyle Group یاد کنیم؟ گروه کار لایل در سال 1987 بنیانگذاری شد، این شرکت خدمات مالی آمریکایی در زمینه مبادلات سهام اختصاصی، سرمایه گذاری خطر پذیر و سرمایه گذاری در املاک و مستغلات، مدیریت صندوق های سرمایه گذاری و نیز سرمایه گذاری در حوزه صنایع نظامی، مهندسی هوا فضا، نخلیرات، صنایع خودروسازی، حمل و نقل، رسانه های گروهی، تولید انرژی های پایدار و تولید برق فعال است. سومین شرکت بزرگ سرمایه گذار در جهان بیش از 150 میلیارد دلار فعال را در زمینه های متنوع مدیریت می کند (گزارش سالانه 2010) (24) و 89,3 میلیارد دلار دارائی در اختیار دارد (25).

بین اعضای گروه کارلایل، به شکل پراکنده می توانیم از رؤسای جمهور و نخست وزیران یاد کنیم (جرج بوش George H. W. Bush, جان میجر John Major, اناند پانیاراجون Anand Panyarachun, فیدل راموس Fidel Ramos, تاکسین شیناواترا Thaksin Shinawatra, رئیس سازمان سیا (فرانک کارلوچی Frank Carlucci که در عین حال وزیر دفاع ایالات متحده در دوران رونالد ریگان بود)، زیر امور خارجه ایالات متحده (جیمز بیکر James Baker)، صندوقهای بازنشستگی، یک ثروتمند روس ضد پوتین (میکائیل خودورکوسکی Mikhaïl Khodorkovski)، بانکداران، سرمایه داران مالی یا سوداگران (کارل اوتو پوهل Karl Otto Pöhl، اولیور سرکوزی Olivier Sarkozy، جرج سوروس George Soros)، و به همچنین اعضای خاندان اسامه بن لادن که از طریق شرکت چند ملیتی سعودی گروه بینلادین Saudi Binladin Group در گروه کارلایل سرمایه گذاری کرده اند (26).

پس به روشنی می بینیم که بین جرج بوش George H. W. Bush (41) مین رئیس جمهور ایالات متحده و در عین حال رئیس

قدیمی سازمان سیا) و پدرخوانده های تروریسم بین المللی مناسبات اقتصادی اجتناب ناپذیری وجود دارد. با یادآوری این موضوع که در گذشته بین پدر او پرسکات بوش Prescott Bush و رایش سوم آلمان مناسبات اقتصادی وجود داشت که به یمن آن به ثروت رسید. پرسکات بوش در رأس اتحادیه همکاری بانکی Union Banking Corporation متعلق به خانواده تیسن Thyssen (یکی از پشتیبانان مالی مهم حزب نازی) در سالهای 1930 بود. پسرش یعنی رئیس جمهور پیشین جرج بوش با همکاری بن لادن توطئه چینی می کنند، در حالی که نوه پرسکات بوش، جرج والکر بوش با بر پا کردن جنگ علیه افغانستان و عراق به شهرت خاصی دست یافت، که هنوز هم قربانی می گیرد و موجب مرگ سدها هزار انسان در خاورمیانه شده است. چه خانواده ای!

جالب است بدانیم که همان روز 11 سپتامبر 2001، روزی که القاعده به دو برج مرکز تجارت جهانی حمله شد، گروه کارلایل در واشنگتن شورای سالانه خود را با شرکت چند صد نفر از سرمایه گذاران تشکیل داده بود. بین مهمانان جرج بوش و تاجر سعودی شفیق بن لادن، برادر ناتنی اسامه بن لادن رئیس القاعده در کنار یکدیگر دیده می شدند(27).

در 19 سپتامبر 2001، یعنی هشت روز پس از حمله به برجهای دوقلو، شفیق بن لادن برادر ناتنی ثروتمندترین مرد جهان و در عین حال فردی که مشمول پی گرد بین المللی بود، به اتفاق دوازده نفر دیگر از اعضای خانواده بن لادن بی آن که سوء ظن مقامات قضائی را بخود جلب کنند با یک هواپیمای بوئینگ 727 به راحتی ایالات متحده را ترک کردند (28).

و این هواپیما هر هواپیمائی نبود، بلکه بوئینگ 727 با پلاک N521DB بود که کاخ سفید آن را برای انتقال گروه روزنامه نگاران و رسانه هائی که معمولاً رئیس جمهور را در سفرهایش همراهی می کنند اجاره می کرد (29). یکی از مسافران این هواپیما عمر عوض بن لادن پسر اسامه بن لادن است که از سوی دیگر اف بی آی او را فردی مظنون به مناسباتی با سازمان تروریستی سازمان جهانی جوانان مسلمان World Assembly of Muslim Youth می داند که برای ایدئولوژی وهابی تبلیغ می کند. (مترجم : در این متن عمر عوض بن لادن برادر زاده اسامه بن لادن معرفی شده ولی ویکیپدیا او را فرزند اسامه از نخستین همسرش معرفی کرده است)



عمر عوض بن لادن 28 ساله (در سال 2008) و همسرش انگلیسی اش جین فلیکس Jane Felix که دو برابر از او مسن تر است.

شعبه سازمان جهانی جوانان مسلمان در ایالات متحده توسط کمال حلوابی Kamal Helwabi عضو قدیمی اخوان المسلمین و یکی دیگر از فرزندان (یا برادر زاده های اسامه بن لادن) عبدالله عوض بن لادن بنیانگذاری شده است که تا حمله تروریستی 11 سپتامبر 2001 رئیس و در عین حال خزانه دار آن بود (30). به شکل شگفت آوری، مرکز سازمان جهانی جوانان مسلمان در حومه جنوب شرقی واشنگتن واقع شده (31) در فاصله چند خیابان تا خانه مسکونی عبدالله عوض بن لادن (32)، و در فاصله حدود 10 دقیقه پیاده تا آپارتمان 4 نفر از دزدان هوایی که هواپیماهای 11 سپتامبر را ربودند (34).

ولی علاوه بر این، باید به موضوع اضطراب آمیز دیگری بپردازیم که به انتشار گزارشی از سوی سازمان دیدبان حقوق بشر باز می گردد و حاکی از این امر است که دولت ایالات متحده « احتمالاً در منشأ ایجاد گروه تروریستی از بین افراد معتبر از دیدگاه حقوقی و قانونی بوده و آنان را در ارتکاب به اعمال تروریستی تشویق کرده است (35)». مقاله ای در روزنامه لوموند افشا می کند که « اف بی آی طی عملیات تجسوسی کاملاً مصنوعی و تقلبی برخی مسلمانان آمریکائی را برای

ارتکاب به اعمال تروریستی تشویق و یا مجبور کرده است [...] مأموران اطلاعاتی یا پلیس های نفوذی در تماس با افراد (شکننده) و با متقاعد کردن و مجبور کردن آنان طرح تروریستی را با تأمین تدارکات و امکانات به اجرا گذاشته اند. در 30% طرح های توطئه آمیز، مأمور نفوذی در عملیات تروریستی فعال بوده و شرکت داشته اند (36). این گزارش برای دولت و سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده اتهام سنگینی بنظر می رسد که به روش «هدف وسیله را توجیه می کند» عمل کرده اند و چنین اعمالی را با اعتنائی به امنیت داخلی و زندگی انسانها مرتکب شده اند.

از چنین وضعیتی نتیجه می گیریم که ایالات متحده در وضعیتی نیست که به کشورهای دیگر درس صلح و دموکراسی بدهد، در حالی که در خارج به جنگ و ترور و ویرانی دامن می زند. نوآم چامسکی این وضعیت را در جمله کوتاهی ترسیم کرده است : « مهمترین عملیات تروریستی در سطح بین المللی تا جایی که می دانم از سوی واشنگتن انجام گرفته است (37)».

علاوه بر این، بازداشت اختیاری و شکنجه برای اعتراف گیری از زندانیان، با نقض حقوق بنیادی که در چندین منشور بین المللی تضمین شده است، در ایالات متحده به شکل گسترده رواج دارد. بر اساس گزارش عفو بین الملل، « رئیس جمهور اوباما اعتراف کرده است که پس از 11 سپتامبر 2001 در چهار چوب برنامه بازداشت مخفیانه، سازمان سیا با کسب موجه از سوی رئیس جمهور پیشین، روش شکنجه را به کار برده است (38)». به این اعتراف باید گزارش 6700 صفحه ای هیئت سنا درباره اطلاعات را اضافه کنیم که مربوط است به برنامه بازداشت و بازجویی مخفیانه توسط سازمان سیا بین سالهای 2002 و 2008 که هنوز به مثابه پرونده ای سرّی از دسترس عمومی به دور مانده است» (39).

کمیته حقوق بشر ایالات متحده را متهم دانسته است زیرا این کشور به موازین حقوق بشر پاسخگو نبوده : « در چهار چوب مبارزه علیه تروریسم، بازداشت و منزوی کردن افراد در زندان، اعمال تبعیض نژادی در نظام حقوق جزائی، و به همین گونه قتل هدف گیری شده به وسیله پهپاد، استفاده بی رویه و اغراق آمیز از زور توسط آنانی که مسئول اجرای قوانین هستند، بدرفتاری با مهاجران و حکم مرگ (40)» خطا کار است. در پایان سال 2014، 127 نفر همچنان در گوانتانامو زندانی هستند، بسیاری حتا نمی دانند به چه دلیل محکوم شده اند، و تمام این امور با نقض حقوق بین الملل و رعایت اخلاق.

در پایان این نوشته باید بپرسیم، چگونه می توانیم دولتی را «تروریست» معرفی نکنیم، وقتی که می بینیم پلیس آن کشور دائماً سیاه پوستان آمریکائی ها را به «اشتباه» به قتل می رساند و موجب وحشت توده های مردم می شود؟ در سال 2015، 35 نفر بدست پلیس با باتون برقی از نوع تیزر Taser کشته شده اند، در حالی که « اغلب این قربانیان مسلح نبوده

و در لحظه ای که شوک برقی به آنان وارد شده خطر بزرگی بحساب نمی آمدند (41)».



از سال 2001 تعداد قربانیان این نوع جنایات دولتی که توسط پلیس انجام گرفته به 602 نفر رسیده است. علاوه بر این، حکم مرگ 33 مرد و دو زن در سال 2014 به اجرا گذاشته شد. در نتیجه شمار محکومین به مرگ از سال 1976 به 1394 نفر رسید، در حالی که بی گناهی چندین نفر از آنان پس از اجرای حکم مرگ آشکار شد (42).

Source: Investig'Action

Notes:

[1] . Micah ZENKO, "[How Many Bombs Did the United States Drop in 2015?](#)", *Blogs.cfr.org*, 7 janvier 2016.

[2] . Nathalie GUIBERT, "[Les non-dits de l'opération « Chammal » en Irak et en Syrie](#)", *Lemonde.fr*, 4 décembre 2015.

[3] . « [Opérations : point de situation au 21 janvier 2016](#) », *Defense.gouv.fr*, 22 janvier 2016.

[4] . « [Attentats : «L'opération Sentinelle coûte 1 million d'euros par jour»](#) », *Leparisien.fr*, 8 février 2015.

[5] . « [Opérations : point de situation au 21 janvier 2016](#) », *Defense.gouv.fr*, 22 janvier 2016.

[6] . "[22 000 jihadistes tués par la coalition anti-Etat islamique, depuis 2014, selon Le Drian](#)", *Francetvinfo.fr*, 21 janvier 2016.

[7] . *Idem*.

[8] . Izaskun SANCHEZ AROCA, Pablo ELORDUY, « [Le bombardement chirurgical ou tactique n'existe pas](#) », *Investigaction.net*, 25 janvier 2016.

[9] . *Idem*.

[10] . Associated Press, « [Death toll rises to 30 in Afghan hospital bombing](#) », *Usatoday.com*, 25 octobre 2015. & Lucie SOULLIER, « [L'hôpital de Kunduz a été ciblé « dans le but de tuer et de détruire »](#), selon le rapport de MSF », *Lemonde.fr*, 6 novembre 2015.

[11] . « [Protocole additionnel aux Conventions de Genève du 12 août 1949 relatif à la protection des victimes des conflits armés internationaux \(Protocole I\), 8 juin 1977](#) », *Icrc.org*.

[12] . [Airwars.org](#), page consultée le 19 avril 2016.

[13] . "Civilian and 'friendly fire' casualties", [Airwars.org/civilian-casualty-claims](#), page consultée le 19 avril 2016.

[14] . W. Patrick LANG, « [Le renseignement militaire états-unien et la Syrie](#) », *Voltairenet.org*, 21 décembre 2015.

[15] . Romain CAILLET, « [De la désaffiliation de l'Etat islamique à al-Qaïda](#) », *Huffpostmaghreb.com*, 8 octobre 2013.

[16] . Ian HAMEL, « [Quand la CIA finançait les Frères musulmans](#) », *Lepoint.fr*, 6 décembre 2011 & Ian JOHNSON, *Une mosquée à Munich. Les nazis, la CIA et la montée des Frères musulmans en Occident*, JC Lattès, 2011.

[17] . Noam CHOMSKY, *Israël, Palestine, États-Unis : Le triangle fatidique*, Edition remise à jour en mars 1999, p. 10.

[18] . Jason BURKE, *Al-Qaida, la véritable histoire de l'islam radical*, La Découverte, p. 78.

[19] . Steve COLL, *Ghost Wars*, 72, 82. & Milton Bearden et James Risen, *CIA-KGB : Le Dernier Combat*, 260-261.

- [20] . [**Rapport Spécial Afghanistan de la FAO**](#), 2 juillet 1998.
- [21] . Stratège états-unien à la Maison Blanche et ancien conseiller à la sécurité nationale du 39^e Président des États-Unis Jimmy Carter.
- [22] . Bahar KIMYONGÜR, *Syriana, la conquête continue*, Investig'Action, 2011, p. 72.
- [23] . Paul BALTA, "[**Le premier échec de la démocratie arabe**](#)", *Euromed-ihedn.fr*, janvier/février 2012.
- [24] . "[Carlyle Group annual report](#)", *Carlyle.com*, 2010.
- [25] . "Carlyle Group website", *Carlyle.com*.
- [26] . Daniel GOLDEN, James BANDLER, Marcus WALKER, "[Bin Laden Family Has Intricate Ties With Washington](#)", *The Wall Street Journal Europe*, Friday / Saturday September 28-29 2001, p.4.
- [27] . Eric LESER, « [L'empire Carlyle](#) », *Lemonde.fr*, 30 avril 2004.
- [28] . Dana MILBANK, "[Plane Carried 13 Bin Ladens](#)", *Washingtonpost.com*, 22 juillet 2004.
- [29] . *Idem*.
- [30] . Document secret du FBI *Case ID – 199-Eye WF 213 589* obtenu par *Newsnight*, in "[BBC News night](#)", *News.bbc.co.uk*, 6 novembre 2001.
- [31] . Au [5613 Leesburg Pike, Falls Church, Virginie, États-Unis](#).
- [32] . Au [3411 Silver Maple Pl, Falls Church, VA 22042, États-Unis](#).
- [33] . Au [5913 Leesburg Pike, Bailey's Crossroads, Virginie, États-Unis](#).
- [34] . "[BBC News night](#)", *News.bbc.co.uk*, 6 novembre 2001.

[35] . ["Illusion of Justice, Human Rights Abuses in US Terrorism Prosecutions"](#) », *Hrw.org*, 21 juillet 2014.

[36] . ["Le FBI mis en cause dans l'organisation d'attentats par des Américains musulmans"](#), *Lemonde.fr*, 21 juillet 2014.

[37] . Interview de Noam Chomsky dans le documentaire ["La fabrication du consentement"](#) (partie 2), à 18 min 25 sec.

[38] . « [Le rapport États-Unis d'Amérique 2014](#) », *Amnesty.org*, 2015.

[39] . *Idem.*

[40] . *Idem.*

[41] . *Idem.*

[42] . *Idem.*

لينك متن اصلی :

<http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-les-etats-unis-et-leur-guerre-permanente-610/>

گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی

7 ژوئیه 2016

فرانسه پشتیبان تروریستها؟

اسرائیل و اشغال سرزمینها

بخش 7

مائل آلبرکا

Maël Alberca

28 ژوئن 2016



اسرائیل شریک تروریسم بین المللی اسلامگرا؟ چنین پرسشی شاید نامعقول جلوه کند، ولی نظر به منافع جغرافیای سیاسی اسرائیل در منطقه، و چنانکه به چنین موضوعی توجه نشان دهیم، رفع ابهام خواهد شد.

همین واقعیت بوده است که سیاست شناس و اسلام شناس فرانسوی اولیویه روی Olivier Roy در بررسی پدیده جهاد طلبی در عراق و سوریه شناسائی کرده و نتیجه گرفته است که جهاد طلبان در خدمت منافع اسرائیل هستند : « برای اسرائیلی ها، داعش فوق العاده است : عربهایی که علیه یکدیگر می جنگند! از تماشایای حزب الله که علیه عرب ها می جنگد، فروپاشی سوریه و ورود ایران به جبهه جنگ، در حالی که موضوع فلسطین وجهه جانبی پیدا می کند، اسرائیلی ها فقط می توانند لذت ببرند (1)»

دیپلمات قدیمی محمد حسن به رشونی توضیح می دهد : « اسرائیلی ها با بشار اسد مشکل خیلی جدی دارند. ابتدا، به این علت که اسرائیلی ها آگاه هستند که حزب الله بدون پشتیبانی سوریه نمی توانست در جنگی که در سال 2006 به وقوع پیوست پیروز شود. سپس به این علت که بحران سوریه برای آنان فرصتی فراهم می کند که بی آنکه یک گلوله شلیک کنند، دشمن بزرگشان ایران را تضعیف کنند. دان میریدور Dan Meridor معاون نخست وزیر اسرائیل در اکتبر 2012 اعلام کرد که : « اولویت به روشنی این است که اتحاد بین سوریه، ایران و حزب الله درهم شکسته شود. این موضوع فراتر از همه خطراتی ست که ناظر بر تغییر رژیم دمشق می باشد» (2).

روشنتر از این ممکن نیست. در نتیجه، جای شگفتی ندارد وقتی از نخستین رئیس شورای ملی سوریه برهان غلیون می شنویم که اگر بشار اسد سرنگون شود، سوریه پشتیبانی از حزب الله را متوقف خواهد کرد(3). حرفهای بسمه قضمانی سخنگوی شورای ملی سوریه نیز جای شگفتی ندارد (که با بنیاد فورد Fondation Ford و شورای روابط خارجی Council on Foreign Relations کار کرده است) که رسماً اعلام کرده است : «ما به اسرائیل نیازمندیم» (4).

محمد حسن می گوید که « به نفع اسرائیل است که «دیکتاتور» را از جلوی دست و پایش بردارد. علاوه بر این ارتش اسرائیل از آغاز جنگ، چندین حمله هوایی روی سوریه انجام داده و در بلندیهای جولان یک بیمارستان برای معالجه شورشیان ضد اسد ایجاد کرده است (5)».

شاید به این علت که پشتیبانی از گروه های تروریست که امروز در سوریه فعال هستند کافی نبوده، دولت اسرائیل در خاک خودش به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت محکوم شده است(6). در واقع، گزارش سازمان غیر دولتی عفو بین الملل درباره وضعیت حقوق بشر در « اسرائیل و در سرزمینهای فلسطین اشغالی » در سال 2014/2015 بسیار وخیم است : « نیروهای اسرائیلی طی حمله نظامی به مدت 50 روز در نوار غزه دست به جنایات جنگی زدند و حقوق بشر را نقض کردند، بیش از 1500 نفر کشته شدند که 539 نفر از آنان کودک بوده اند، بین شهروندان غیر نظامی نیز هزاران نفر مجروح شدند. این حمله اسرائیلی در عین حال موجب آواره شدن مردم و تخریب

بناهای مدنی و خدمات حیاتی شد. اسرائیل همچنان به محاصره هوایی، دریائی و زمینی نوار غزه ادامه داده و بر اساس این ساز و کار 1800000 نفر از ساکنان این منطقه را تنبیه عمومی کرده و در نتیجه بحران انسانی در منطقه را تشدید کرده است.

علاوه بر این، در کرانه باختری رود اردن نیروهای اسرائیلی تظاهر کنندگان فلسطینی را از جمله کودکان را به قتل رسانده اند، و ممنوعیتهای گوناگونی برای رفت و آمد فلسطینیها اعلام کرده اند، و در عین حال به شکل غیر قانونی به اشغال سرزمینها ادامه می دهند و به اشغالگران اجازه می دهند که به فلسطینیها حمله و اموال آنان را تخریب کنند، بی آن که برای بزهکاریهایشان مجازات شوند. نیروهای اسرائیلی هزاران نفر از فلسطینیها را بازداشت کرده اند. برخی از زندانیان فلسطینی تحت شکنجه قرار گرفتند. هم اکنون 500 نفر بدون دادگاه در بازداشت رسمی به سر می برند. در اسرائیل مقامات برای اخراج اجباری ساکنان فلسطینی و تخریب خانه هایشان در دهکده های نگب Néguev اقدام کرده اند که هویتشان به رسمیت شناخته نشده. و هزاران مهاجر خارجی که درخواست پناهندگی کرده بودند به علاوه اسرائیلیهایی که به دلایل اخلاقی و عقیدتی نافرمانی مدنی کرده اند بازداشت و یا خیلی مختصر و مفید اخراج شده اند(7).

مقاله ای به قلم عفو بین الملل نشان می دهد که اسرائیل از روشهایی استفاده می کند که نامش تروریسم دولتی است (تهدید، اعمال بازدارنده، شکنجه، تخریب اموال خصوصی، اخراج اجباری و با اعمال زور، محرومیت از آزادی، تنزل حقوق بنیادی...) که به مثابه اعمال تلافی جویانه علیه مقاومت فلسطین به کار می برد (8). به گفته عفو بین الملل، حرکات دولت اسرائیل « حقوق بشر و حقوق بین الملل » را رعایت نمی کند و « نقض منشور ژنو و جنایت جنگی » است (9). این روش های قدرتمدارانه و جراتبار به افراطیگری دامن می زند، و تداوم دور باطل خشونت را تضمین می کند.

Source: [Investig'Action](#)

Notes:

[1] . Sara DANIEL et Marie LEMONNIER, « [Ces \(nombreux\) pays que l'existence de Daech arrange bien](#) », *Nouvelobs.com*, 22 novembre 2015.

[2] . Mohamed HASSAN et Grégoire LALIEU, *Jihad Made in USA*, *Investig'Action*, 2014, p. 119.

[3] . *Ibidem*

[4] . *Ibidem.*

[5] . *Idem, p. 120.*

[6] . « [Rapport Black Friday : carnage à Rafah](#) », *Amnesty.org.*

[7] . « [Le rapport Israël et territoires palestiniens occupés](#) », *Amnesty.org, 2014/2015.*

[8] . Jacob BURNS, « [Voici à quoi ressemble la «fermeté face au terrorisme» à Jérusalem-Est](#) », *Amnesty.org, 30 octobre 2015.*

[9] . *Idem.*

لينك متن اصلی :

<http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-israel-et-la-colonisation-710/>

گاهنامه هنر و مبارزه

14 ژوئیه 2016

فرانسه پشتیبان تروریسم؟

ترور سنت دیرینه فرانسوی

بخش 8

12 ژوئیه 2016

مائل آلبرکا

Maël Alberca



در زمینه خرابکاری و قتل، سرویسهای مخفی
فرانسه پیش از این همه فن آوریهای خود را
نشان داده اند. مرور می کنیم...

از سالهای 1950، فرانسه از سرویسهای اطلاعاتی اش برای قتل اهداف سیاسی و جاری کردن « جنگ روانی » (به سخن دیگر جاری کردن ترور) استفاده کرده است : در هندوچین و خاصه در الجزایر. سرویس عملیاتی (SA) در سرویس اطلاعات خارجی و ضد جاسوسی (1)، سپس اداره کل امنیت خارجی DGSE (2) طی جنگ هندوچین، و قویاً در الجزایر به ضرب تروریسم برای حذف مقاومت استفاده کردند (عملیات آرما « opérations arma ») و آدم ربائی یا قتل هدف گیری شده (عملیات هومو « opération Homo »)، این عملیات را از جمله علیه شهروندان غیر نظامی به کار می بردند تا مردم را از پای درآورند.

سازمان مسلح دست سرخ (La Main rouge) که مبارزان استقلال طلب مراکش، الجزایر و تونس را به قتل می رساند، به احتمال قوی وابسته به اداره کل امنیت خارجی بود و به حساب فرانسه دست به عمل می زد. و این دورانی بود که فرانسه احساس می کرد که سرزمین های تحت سلطه استعماری اش در حال بدست آوردن استقلال هستند. و همین سازمان دست سرخ بود که مبارزان سندیکالیست تونسی را به قتل می رساند، فرحات حشاد در 13 دسامبر 1953، عبدالرحمن مامی در 13 ژوئیه 1954، و سپس برادران طاهر و علی حفوز. ژک لومگر دوبروی Jacques Lemaigre Dubreuil طرفدار خود مختاری برای مراکش در کازابلانکا در 11 ژوئن 1955 نیز به سازمان دست سرخ نسبت داده شده است. بسیاری از مبارزان دیگر برای استقلال بین سال 1950 و 1962 به قتل رسیدند. فقط در کوران سال 1960، به گفته کنستانتین ملنیک Constantin Melnik که در آن دوران بر عملیات سرویس های مخفی برای نخست وزیر فرانسه میشل دوبره Michel Debré نظارت داشته، 135 نفر به قتل رسیده اند.

ولی این نوع عملیات کاملاً سرّی بی آن که دچار خطا شود تحقق نیافته، و در برخی موارد از حد تجاوز کرده و به عرصه عمومی کشیده شده است. برای مثال، عملیات تروریستی شکست خورده علیه مبارز استقلال طلب الجزیره Tayeb Boulahrouf در رم که به شکل اتفاقی موجب مرگ یک کودک 10 ساله شد (3).

یک نمونه دیگر : قتل فلیکس رولاند مومیه Félix-Roland Moumié استقلال طلب کامرونی به سال 1960 در ژنو. مأمور فرانسوی که مأموریت قتل فلیکس مومیه را دریافت کرده بود، خود را بجای روزنامه نگار معرفی کرده بود. نقشه قبلی این بود که به فلیکس مومیه سم بخوراند و او می بایستی بعداً در کامرون بمیرد، ولی فلیکس مومیه پیش از موعد در 3 نوامبر 1960 در ژنو درگذشت. تجسس پلیس هویت قاتل را شناسائی کرد، ویلیام بشتل William Bechtel که به مأموران ذخیره در سرویس مدارک خارجی و ضد جاسوسی SDECE تعلق داشت، دادگاه در 27 اکتبر 1980 پرونده را مختومه اعلام کرد (4).

آخرین نمونه، ماجرای رمبو واریور L'affaire du Raimbow Warrior بود : 10 ژوئیه 1985، مأموران مخفی اداره کل امنیت خارجی DGSE کشتی گرینپیس رمبو واریور Greenpeace Rainbow Warrior را غرق کرد که هدفش اعتراض به آزمایشهای اتمی فرانسه روی جزیره های پولینزی در مورورآ و فاگاتوفا در اقیانوس آرام بود (5). این عملیات یک قربانی بر جای گذاشت، عکاس هلندی پرتغالی تبار فرناندو پیریا Fernando Pereira که نتوانسته بود به موقع کشتی را ترک کند در انفجار دومین مین مغناطیسی روی بدنه کشتی که سرویس فرانسوی کار گذاری کرده بود کشته شد. پیش از این خطا بود که گروه ویژه در بطن سرویس عملیاتی در DGSE (اداره کل امنیت خارجی) به نام « سلول های آلفا » (9) ایجاد شد.

امروز، سرویس عملیاتی در اداره کل امنیت خارجی در خارج از مرزهای فرانسه فارغ از هر گونه کنترل دموکراتیک عمل می کند. به این ترتیب، سرویس های مخفی فرانسه به همکاری SAS بریتانیا و قطرپها و احتمالاً امارات متحده عربی در مداخله نظامی در سال 2011 در لیبی شرکت داشتند و پیاده کردن کوماندوهای شورشی که از مصراته آمده بودند را در ساحل طرابلس سازماندهی کردند (7). عملیات مخفی نیروهای ویژه فرانسه هنوز در لیبی (8) فعال هستند (9)، با همه دعاوی دموکراتیکی که می توانیم از کشوری مانند فرانسه انتظار داشته باشیم.

Source: [Investig'Action](#)

Notes:

(1) SDECE : سرویس مدارک خارجی و ضد جاسوسی، در سال 1945 ایجاد شد. این سرویس در سال 1982 به DGSE تغییر کرد (اداره کل امنیت خارجی).

(2) DGSE : اداره کل امنیت خارجی

[3] . « [Tayeb BOULAHROUF : Le gentleman de la diplomatie de guerre](#) », *Lequotidienalgerie.org*, 26 juin 2012.

[4] . « [William Bechtel, l'agent français qui a tué Félix Moumié](#) », *Journalducameroun.com*, 24 novembre 2014. & Georges DOUGUELI, « [Comment Félix Moumié a été empoisonné](#) », *Jeuneafrique.com*, 9 juin 2008.

[5] . Hervé GATTEGNO, « [Greenpeace, vingt ans après : le rapport secret de l'amiral Lacoste](#) », *Lemonde.fr*, 9 juillet 2005.

[6] . **Patrick PESNOT**, « [Rendez-vous avec X : Les cellules Alpha](#) », *France Inter*, 9 mai 2015. & Vincent NOUZILLE, *Les tueurs de la République*, Fayard, 2015, 73.

[7] . « [Premier bilan des actions clandestines](#) », *Intelligenceonline.fr*, 1^{er} septembre 2011.

[8] . Nathalie GUIBERT, « [La France mène des opérations secrètes en Libye](#) », *Lemonde.fr*, 24 février 2016.

[9] . En février 2016.

لينک متن اصلی :

<http://www.investigacion.net/la-france-sponsor-des-terroristes-la-terreur-une-longue-tradition-francaise-810/>

گاهنامه هنر و مبارزه

۱ سپتامبر ۲۰۱۶

فرانسه پشتیبان تروریسم؟
از برده داری تا نو استعماری

بخش ۹

۱۹ اوت ۲۰۱۶

مائل آلبرکا

Maël Alberca



فرانسه در جنگ علیه تروریسم؟ با نگاهی به گذشته به یاد می آوریم که فرانسه نسبت به روشهایی که مدعی مبارزه علیه آنهاست هیچ چیزی کم نمی آورد. نکته نگران کننده این است که، در حال حاضر نیز واقعاً امیدوار کننده نیست...

در اینجا نمی توانیم به تاریخ برده داری و استعمار بپردازیم که اروپای سرمایه داری به شکل گسترده و بی شرمانه از آن برای ثروت اندوزی طبقه بورژوا طی قرون و اعصار بهره برداری کرده است. پرونده این دورانها به شکل گسترده در آرشیو ها موجود است. جنایاتی که قدرت های بزرگ استعمارگر مرتکب شده اند موضوع کتابها، پژوهشها، مقالات و حتا فیلمهای مستند بسیاری بوده و خوانندگان می توانند به آنها مراجعه کنند.

در دوران معاصرتر، برای مثال می توانیم از کشتار تیاری در اول دسامبر 1944 (تیاری Thiaroye شهری در شرق سنگال) که 70 کشته برجای گذاشت (1) یاد کنیم. ارتش فرانسه تیراندازان سنگالی را که یگانه گناهشان مطالبه حقوق ماهیانه شان بود به شکل خونباری پاسخ گفت و سرکوب کرد.



تاریخ فراموش نشدنی : نقاشی دیواری در داکار به یاد کشتار تیاری در 1 دسامبر 1944

کشتار سطیف ، قالمه و خراطه (شهرهایی در الجزایر) در ماه مه 1945، علیه مبارزان ملی گرائی که به شکل صلح آمیز در تظاهرات علیه استعمار فرانسه شرکت کرده بودند. این کشتارها بین 3000 تا 8000 کشته برجای گذاشت. این جنایات دولتی وقتی بیش از همیشه شرم آور بنظر می رسد که می بینیم سرکوب مبارزان استقلال طلب در روزهایی به وقوع می پیوندد که فرانسه در حال بر پا کردن جشن پیروزی و «آزادی» اش از اشغال نازیها ست.

ایو بونو Yves Bonot در کتاب «کشتار در مستعمرات 1950-1944 : چهارمین جمهوری و به زانو در آوردن کشورهای تحت سلطه استعمار فرانسه» (2) می گوید که در جنایات و کشتار شهروندان غیر نظامی طی عملیات ارتش فرانسه علیه مبارزان استقلال طلب، از کشتار رباط و فاس (در مراکش) به سال 1944، تا ساحل عاج در 1949-1950، و سپس کشتار سطیف (1945)، هایفونگ (ویتنام در سال 1946)، کازابلانکا (1947) و ماداگاسکار (1947)، در مجموع، ده ها هزار مرد و زن و کودک در قربانگاه امپراتوری استعماری فرانسه به هلاکت

رسیدند. ده ها هزار شهروند غیر نظامی به قتل رسیدند زیرا جسارت درخواست آزادی و مبارزه برای استقلال را به ذهنشان راه داده بودند.

به این فهرست باید 44282 الجزایری را اضافه کنیم که طی منازعات در فرانسه بازداشت شدند (3)، و هزاران نفر از مهاجران الجزایری در فرانسه زندانی و به اردوگاه ها محکوم کردند. به گفته بنیامین استورا Benjamin Stora تاریخشناس : « بین 1957 و 1962، بر اساس تخمین 10000 الجزایری پس از محاکمه بین یک تا دو سال در اردوگاه های دایر در فرانسه محکوم شدند (4).

بی آن که آخرین کشتار استعماری در خاک خود فرانسه را فراموش کنیم که در 17 اکتبر 1961 در پاریس به وقوع پیوست. چند ماه پیش از استقلال الجزایر، پلیس فرانسه تظاهرات صلح آمیز الجزایری ها را با خشونت تمام سرکوب کرد. الجزائریها به حکومت نظامی که فقط برای افراد آفریقای شمالی تبار اعلام شده بود اعتراض داشتند. سرکوب تظاهر کنندگان ده ها کشته و سدها مجروح بر جای گذاشت و حدود صد نفر نیز ناپدید شدند. رئیس پلیس فرانسه موریس پاپون Maurice Papon مدیریت این سرکوب را به عهده داشت، او در گذشته در مقام رئیس شهربانی ژیروند بین 1942 و 1944 جزء همکاران رژیم اشغالگر نازی در فرانسه بود.

یک بار دیگر در 8 فوریه 1962، تظاهراتی که علیه سازمان نظامی سرّی به راه افتاده بود، با مداخله پلیس (همواره به فرماندهی موریس پاپون) سرکوب شد و 9 کشته بر جای گذاشت (این رویداد به نام «واقعاً ایستگاه متروی شارون» شهرت دارد). برای پوشش دادن به خشونت پلیسی، در سال 1966 قانونی را برای عفو جرائم مرتبط به امنیت دولتی در رابطه با رویدادهای الجزایر به تصویب رساندند، به ویژه برای جرائمی که بین اول ماه نوامبر 1954 و 3 ژوئیه 1962 در چهارچوب عملیات پلیس دولتی و قضائی صورت گرفته بود (5).

جای آن دارد تا یادآور شویم که استعمار و جنایاتی که به همراه داشت در موج استقلال در سالهای 1960 به پایان نرسید. در واقع به محض این که استعمار زدائی آغاز شد، روی همان ویرانه های ساختار استعماری و وقتی که هنوز آکنده از گرد و غبار و دود فرو پاشی بود، فرزند خلف آن، هیولای حریص نو استعماری پا به عرصه وجود نهاد.

در اینجا نیز ما از یادآوری فهرست جامع جنایاتی که در چهارچوب «فرانسه و آفریقا» (Françafrique) (6) به وقوع پیوست خود داری می کنیم، و خواننده کنجکاو را به کتاب فرانسوا اگزاویه ورشاو (François-Xavier Verschave) و انتشارات [association Survie](http://association-survie.org) مراجعه می دهیم که بیش از 30 سال است که بی وقفه منافع فرانسه در آفریقا را افشا می کنند : از جمله ماجرای Elf (شرکت نفتی در بطن شرکت

توتال)، کشتار جمعی توتسی ها در رواندا در سال 1994، مداخله نظامی در ساحل عاج، مالی و در آفریقای مرکزی، فعالیتهای شرکتهای چند ملیتی فرانسوی و امثال اینها. سیاست نو استعماری روی شبکه های نفوذی از نوع مافیائی متشکل از گروه های صنعتی، سیاسی و نظامی تکیه دارد، و منافع دولت فرانسه نیز به شکل خطرناکی با منافع شرکتهای فرانسوی در بخش خصوصی درهم آمیخته است (توتال، آروا، ونسی، بولوره، کاستل...). و در خدمت سیاستی به سر می برد که هیچ چیزی را به هیچ کسی هدیه نمی دهد. ژان لوئی کاستلنو (Jean-Louis Castelneau)، رئیس هیئت نمایندگی در شورای فرانسه برای سرمایه گذاران در منطقه آفریقا این موضوع را انکار نکرده و به روشنی می گوید: « آیا باید در آفریقا سرمایه گذاری کنیم؟ البته! ما انجمن خیریه نیستیم. اگر نفعی در آفریقا نمی داشتیم به آنجا نمی رفتیم. علاوه بر این، شرکتهای بزرگی در این قاره حضور دارند (7)».

انجمن سوروی ([association Survie](#)) یادآور می شود که « غارت مواد اولیه در آفریقا و بازرگانی محصولات تولید شده در مرکز فرآیند استعماری بود (8)». غارت منابع آفریقا (نفت، گاز، طلا، نقره، الماس، مس، کلتان، اورانیوم، پلاتین، منگنز، کاکائو، قهوه، کائوچو، پنبه، روغن نخل...) چیزی بجز تداوم سیاست خارجی فرانسه در قرن نوزدهم نیست که عبارت است از صدور سرمایه به مستعمرات نوین. این موضوع را ژول فری Jules Ferry رویس شورا در سال 1885 (سالی که کنفرانس برلن برگزار شد) توضیح داده است: « برای کشورهای ثروتمند، سرمایه گذاری در استعمار مزیت های فوق العاده ای دارد (...). سیاست استعماری فرزند سیاست صنعتی ست. اروپا می تواند به مثابه اتاق بازرگانی تأویل شود که درآمدهایش در حال کاهش به سر می برد، زیرا وضعیت مصرف در اروپا به مرحله اشباع رسیده است (9)».

در نتیجه، بهره برداری از ذخایر طبیعی آفریقا در پیوند با بزهکاری رهبران و دستیازی فرانسه به پول مشترک (فرانک سی اف ای franc CFA پول رایج در آفریقا به ضمانت خزانه فرانسه)، فقط می تواند برای این کشورهای آفریقائی مصیبتبار باشد: فقر مزمن، افزایش شکاف و نابرابری اجتماعی، نبود خودگردانی، از دست دادن حاکمیت در امور تغذیه و انرژی، بیکاری جوانان، تنش های اجتماعی و قبیله ای... کوتاه سخن این است که در چنین وضعیتی زمینه برای گسترش تروریسم بسیار مساعد بنظر می رسد و ریشه های آن را نیز می توانیم در ناامیدی نسل جوان مشاهده کنیم که هیچ چشم اندازی برای آینده خود نمی بیند.

ولی « ترور » تنها در پشت سر ما نیست و به گذشته منحصر نمی شود، امروز ما حتی در فرانسه با « ترور » روبرو هستیم و پدیده ای ست که به روزمره ما تعلق دارد. برخی بر این باورند که « تروریسم دولتی » در آینده می تواند به این جریان مخرب نیز بال و پر بیشتری بدهد. در فوریه 2016، سازمان عفو بین الملل

در گزارشی دربارهٔ وضعیت حقوق بشر در جهان، از کشور فرانسه برای سیاست آزادی ستیزش که به نام مبارزه علیه تروریسم به اجرا گذاشته، نام برده است. مقررات مربوط به « تقویت حفاظتی »، بستن سایتهای اینترنتی، تحت تعقیب قرار دادن افرادی که برای تروریسم تبلیغ می کنند، بازرسی و حبس خانگی بدون کنترل قاضی، منع تظاهرات» به پیکرهٔ قانون استثنائی تعلق دارند که « به شکل اغراق آمیزی حقوق فردی را پایمال می کند و در برخی موارد حاکی از تبعیض است» (10). مدیریت اسفناک « بحران مهاجرت »، شرایط غیر انسانی « جنگل » کاله (منطقه ای در فرانسه)، اخراج اجباری، سرکوب پلیسی، بازداشت اختیاری در وضعیت اضطراری، و توافقات همکاری با کشورهایی که شکنجه را مجاز می دانند، از جمله اموری ست که نام فرانسه را قاطعانه در فهرست کشورهای به ثبت رسانده که تروریسم دولتی را اعمال می کنند.

Source: [Investig'Action](#)

Notes:

[1] . Armelle MABON, « [Sénégal : le camp de Thiaroye, part d'ombre de notre histoire.](#) », *Liberation.fr*, 25 décembre 2012.

[2] . Yves BENOT, *Massacres coloniaux : 1944-1950 : la IVe République et la mise au pas des colonies françaises*, Paris, éd. La Découverte, 2001.

[3] . Benjamin STORA, « [Camps d'internement en métropole pour "suspects" algériens de La guerre d'Algérie](#) in *L'Histoire* N° 140, janvier 1991 », *Univ-paris13.fr*, janvier 1991.

[4] . *Idem.*

[5] . « [L'affaire du métro Charonne](#) », *Grand Larousse encyclopédique*.

[6] . Néologisme popularisé par le livre de François-Xavier Verschave : *La Françafrique, le plus long scandale de la République* (1998). Le terme « Françafrique » désigne les relations qu'entretient la France avec ses anciennes colonies africaines, à travers des réseaux d'influence politiques, diplomatiques, économiques, militaires, et culturels.

[7] . « [Les entreprises françaises en Afrique](#) », *Survie.org*, 16 février 2010.

[8] . *Idem.*

[9] . Cité par Damien MILLET, *L'Afrique sans dette*, Syllepse, 2006, p. 29.

[10] . « [5 choses à savoir sur les droits humains en France](#) », *Amnesty.fr*, 23 février 2016

- See more at: <http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-de-lesclavage-au-neocolonialisme-ya-bon-la-francafrique-910/#sthash.9RPTOsUR.dpuf>

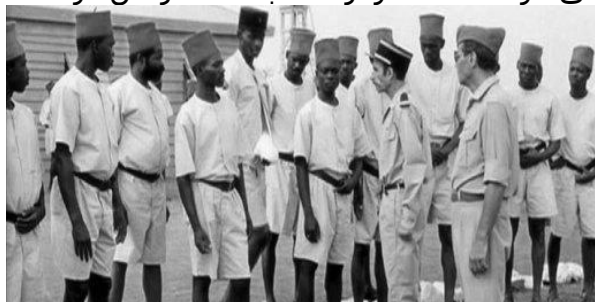
لینک متن اصلی :

<http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-de-lesclavage-au-neocolonialisme-ya-bon-la-francafrique-910/>

توضیح مترجم :

کشتار سربازان سنگالی بدست ارتش فرانسه

72 سال پیش از این، تیراندازان سنگالی در بازگشت از جهان دوم جهانی به اردوگاه انتقالی در 15 کیلومتری مرکز داکار فرستاده شده بودند. اول ماه دسامبر 1944، طی تظاهرات این سربازان سنگالی که حقوق های عقب افتاده شان را مطالبه می کردند، 70 نفر از آنان بدست ارتش فرانسه تیرباران شدند.



گاهنامه هنر و مبارزه

4 اکتبر 2016

فرانسه، پشتیبانی از تروریستها؟

زمین بارور

بخش 10

مائل آلبرکا

Maël Alberca

9 سپتامبر 2016



استعفای قدرت و نهادهای دولتی، نابرابری، بی عدالتی، شهرک سازی، شکاف و جراحت اجتماعی و ترس بیمارناک از اسلام : زمین بارور برای رشد تروریسم در فرانسه.

« در جامعه ای که رقابت بین افراد به مثابه ارزش برتر تشویق می شود، جایی که رقابت به هدف اصلی زندگی اجتماعی

تبدیل شده و شعار لوئی فیلیپ (سیاست بورژوائی و خورده بورژوائی) « ثروتمند شوید » یگانه چشم انداز بنظر می رسد، با گسترش ارزش های همبستگی، برابری و عدالت اجتماعی، آموزش روزمره برابری بین زنان و مردان است که زمین بارور اصول گرایی و طرفدارانش به حاشیه رانده خواهند شد.» (1)
[Pierre Khalfa](#) پی یر خلف

از دیدگاه دکتر باکاری سامب Bakary Samb استاد و پژوهشگر مرکز تحقیقات درباره افراط گرایی و منازعات در آفریقا در دانشگاه گستون برژر در سن لوئی در سنگال، « تروریسم و افراط گرایی فرزندان طبیعی پیوندهای خطرناک بین تکبر بی عدالتی و ناآگاهی آنانی ست که خود را قربانی آن می دانند (2)»، « مبارزه علیه تروریسم در رابطه با سیاست پیشگیری کننده از راه آموزش و امور تربیتی، تقویت امکانات، انحلال نابرابری و گسترش فضای اجتماعی آترناتیو بجای مذاهب و روندهای قومی و فرقه ای از جنگ چریکی خیلی مؤثرتر است. [...] تا وقتی که مداخله نظامی را به امور تربیتی و آموزشی، عدالت اجتماعی در مناطقی که خرید یک تانک کهنه گرانتر از ساخت یک مدرسه هزینه برمی دارد ترجیح دهیم، از بن بست مشکلات خارج نخواهیم شد» (3).

دیپلمات قدیمی اتیوپی محمد حسن از این نیز فراتر می رود، از دیدگاه او «رهبران اروپائی از این که می بینند این جوانها برای جهاد مسلحانه به سوریه می روند مشکلی احساس نمی کنند، یعنی همان شهروندان جوانی که برای آنان راه حلی نداشتند، و حتا بجای اینکه درباره دلایل افراط گرایی و ریشه یابی آن بیاندیشند، خوشحال بودند که این «دیوانه های الله» به منطقه جنگی رفته و در معرض بمباران قرار گرفته اند. بخش بزرگی از این جهاد طلبان اروپائی از حاشیه نشینهای شهرکهای حومه شهرهای بزرگ اروپا بودند. هیچ چشم اندازی برای آینده آنان باقی نگذاشته بودند. سرانجام، آنان را به حال خود واگذاشتند تا در مواد مخدر غرق شوند و یا خیلی دور از خانه و کاشانه خودشان به نام خدا و در کشوری که هدف گرفته بودند و قصد تخریب آن را داشتند کشته شوند. [...] این قشر از جوانان شانس زیادی برای تحصیل، پیدا کردن کار، تشکیل خانواده و شکوفائی شخصیتی نداشتند، یعنی چنین شانسی را در دسترس آنان نگذاشته بودند. و حتا از بین همین جوانان، آنانی که با وجود همه مشکلات دوره تحصیلی خوبی را پشت سر می گذارند، در مرحله بعدی، یعنی برای پیدا کردن کار به دلیل نام فامیلی شان به مشکل برخورد می کنند. در این صورت برای برادر کوچکترشان معرف چه الگویی می توانند باشند؟ [...] اکنون، دولتهای اروپائی در بازگشت این جوانان از جبهه جنگ سوریه به کشور خودشان بیم دارند. در نتیجه خطر تروریسم افزایش خواهد یافت، اقدامات امنیتی تقویت خواهد شد، افزایش نگرانی از بابت مسلمان زمین مساعدی برای رشد افراط گرایی فراهم خواهد کرد. [...] دولتهای اروپائی باید به جوانهایی که به نسل مهاجران تعلق دارند چشم انداز واقعی عرضه و در عین حال سیاست خارجی خودشان را نیز بازبینی

کنند. زیرا سیاست خارجی کشورهای غربی همواره در گسترش اسلامگرایی افراطی در خاورمیانه کوشیده است. در حالی که باید برای امر توسعه به کشورهای عربی شانس واقعی بدهند، یعنی روندی که اگر به وقوع بپیوندد با منافع شرکتهای چند ملیتی غربی در تضاد قرار می گیرد.» (4)

اولیویه روی [Olivier Roy](#) نیز بر همین باور است و می گوید : « داعش برای منصرف کردن دولت فرانسه از بمباران مواضعش سوری ها را برای ارتکاب به اعمال تروریستی به فرانسه نمی فرستد. داعش از ذخیره جوانان افراطی شده خود فرانسه استفاده می کند که از هم اکنون بنای مخالفت را گذاشته اند و در پی آرمانی می گردند که به نام آن امضای خونبار قیام شخصی خودشان را به ثبت رسانند» (5). این موضوعی است که در پایان سال 2015، حضور بیش از 600 جوان فرانسوی (380 مرد و 220 زن) در صفوف داعش در عراق و سوریه را توضیح می دهد (6). یک سوم زنان و یک ششم مردان جهاد طلب فرانسوی به سالام گرویده اند (7). اولیویه روی هشدار می دهد که : « سرکوب داعش چیزی را در این قیام تغییر نمی دهد. گرویدن این جوانان به داعش حرکتی فرصت طلبانه است : دیروز آنان با القاعده بودند، پریروز (1995) با گروه اسلامی مسلح الجزایری ، از بوسنی تا افغانستان و سپس چچنی، کولی مسلکی جهاد فردی رواج داشت. و فردا، زیر پرچم دیگری خواهند جنگید، مگر اینکه مرگ نابهنگام، سال خوردگی یا توهم زدائی صفوفشان را خالی کند، به همان شکلی که چپ افراطی در سالهای 1970 ازهم فروپاشید. [...]»

در نتیجه، مسئله اساسی برای فرانسه خلیفه در بیابانهای سوریه نیست که مطمئناً دیر یا زود مثل سرابی که به کابوس تبدیل شده از بین خواهد رفت، مسئله عصیان این جوانان است. و مسئله واقعی این است که این جوانان به چه سرنوشتی دچار خواهند شد، آیا پیشگام جنکهای آینده خواهند بود و یا بر عکس پس افتاده های رویدادهای تاریخی (8). از دیدگاه اولیویه روی ما شاهد افراطی گری اسلامی نیستیم، بلکه شاهد اسلامی کردن افراطی گری هستیم.

سعید بواماما Saïd Bouamama جامعه شناس نیز تحلیل اولیویه روی را در رابطه با دلایل اجتماعی اقتصادی « افراطگرایی» تأیید می کند، به سخن دیگر روی محور تمایلات نیهیلیستی بخشی از جوانان اروپائی. اسلامی سازی افراط گرایی به این علت است که امروز پر رونق ترین بازاری ست که سعید بواماما « عرضه نیهیلیسم» می نامد(9). سعید بواماما یادآور می شود که هر بازاری روی عرضه و تقاضا می چرخد و بازار افراط گرایی از این قاعده جدا نیست. البته عرضه نیهیلیسم تازگی ندارد، حتا اگر از 15 سال پیش در فرانسه بیش از همه قابل رؤیت باشد. وجه مشخصه این عرضه نیهیلیستی در گسترش مبلغان کلاهبردار آشکار می شود که دائماً در پی داوطلبان ناامیدی هستند که آماده اند تا خود را برای آرمانی که به آنان به مثابه هدفی والا یا انقلابی تزریق

کرده اند فدا کنند. « مشتریان نیهیلیسم مسلمان » (سلفی مسلکان جهاد طلب)، خود بخود به سوی عرضه افراطگری اصولگرای اسلامی متمایل می شوند، «مشتریان نیهیلیسم مسیحی» به سوی عرضه افراط گرائی اصولگرائی مسیحی متمایل می شوند (از نوع آندر برینگ بریویک Anders Behring Breivik). « مشتریان نیهیلیسم لائیک یا خداناباور » به سوی عرضه افراطی اصولگرای نو پاگانیستی تمایل نشان می دهند (مانند فرقه معبد خورشید که خودکشی جمعی را به اجرا می گذارد).

ولی باید یادآور شویم که بین افراد نیهیلیست فقط شکننده ترین‌هایشان هستند که دست به عمل می زنند و تعداد آنان نیز بسیار اندک است. دیگران در جامعه خیلی مصرفی در جستجوی خوشبختی موهومی و در وادی اسطوره سرمایه داری موضعگیری می کنند. و یا در افسردگی، تسلیم تحقیر و انجماد و بی اعتنائی اجتماعی می شوند.

امروز رفتار نیهیلیست نزد جوانها (15 تا 30 سال) در نبود چشم انداز حرفه ای، بازار کار اشباع شده، آسانسور اجتماعی که در طبقه هم کف متوقف شده، خشونت اجتماعی همه گیر، تبعیض فزاینده، وضعیت زیست محیطی اسفناک، نظامی گری بسیار شدید و ملال آور، حراست سرکوبگر، فردگرائی لیبرال اقتدارگرا، اختناق پلیسی تمامیت خواه... تغذیه می شود و همه اینها با تزئین طبقه سیاستمدارانی که فقط می توانند موجب نا امیدی شوند و زیر سلطه خواستهای لابی ها و الیگارشی صنعتی قدر قدرت که به همانگونه که از اسنانها بهره کشی می کند، منابع طبیعی سراسر جهان را به خود اختصاص داده است. و می توانیم این فهرست را تا جایی که بخواهیم گسترش دهیم، زیرا دلایل برانگیختگی، خشم و عصیان بسیار است. این ناامیدی، افسردگی جمعی، « جهان ناامید کننده » پسا سالهای 30 افتخار آمیز، این خشم دراز مدتی که غالباً درون سازی شده، به شکل اجتناب ناپذیری به « تقاضای نیهیلیستی» می انجامد. در نتیجه وقتی تقاضای نیهیلیسم با عرضه نیهیلیسم تلاقی می یابد، داد و ستد ممکن می شود، یعنی به مثابه حاصل منطقی دو تنش معاصر.

ولی پس چرا عرضه نیهیلیستی از نوع اسلامی به میدان آمده است؟ از دیدگاه سعید بو اماما، شکنندگی و فقری که در سالهای اخیر در شرف تکوین است شامل حال همه گروه های جوان اروپائی می شود. ولی سه عامل دیگر تقاضای نیهیلیستی از نوع اسلامی را باید در اقشار مردمی متعلق به مهاجران و به ویژه مسلمانان جستجو کنیم که عبارتند از :

(1) تبعیض از نوع «نژادی» (نژاد پرستی بیولوژیک، در خدمت بردگی و سلسله مراتب اجتماعی)

(2) قومی سازی رفتارها (نژاد پرستی فرهنگی، توجیه نو استعماری و نابرابری اجتماعی)

3) ترس بیمارناک از اسلام (تبعیض دینی). تبعیض ماهرانه و آگاهانه با راه اندازی بحث و جدل دائمی در رسانه ها به تشویق محافل سیاسی : روی موضوع رو سری در مدرسه یا در فضاهای عمومی، ساخت مناره، گوشت حلال در مدارس، و امثال اینها.

این سه عامل آخری حاصل همان ایدئولوژی بوده که شکاف اجتماعی را واپس زده و حاصل تزریق همئوپاتیک ولی دائمی در گفتارهای سیاسی و رسانه ای سالهای اخیر بوده است. و اگر تزریق همئوپاتیک در طول زمان تأثیر خود را نشان می دهد، آثار مخرب سم همئوپاتیک نیز در طول زمان آشکار می شود.

این سه عامل در فرآیند نفی فرهنگی شرکت دارد و جوانان متعلق به اقشار مهاجر مسلمان به مثابه نفی هویت عمیق خود درون سازی کرده اند، که به اختلال هویتی می انجامد. کوتاه سخن، ریشه کن شدگی و بی ثباتی ستونهای که ساخت و ساز باطنی و روانشناختی فرد را ممکن می سازد او را به رفتارهای خشونت آمیز ابتدا علیه خودش و سپس نزدیکان و دیگران وامی دارد.

درک دلایل بیماری از دیدگاه ساختاری نخستین گام به سوی درمان است. در نتیجه، درک مکانیسم تبعیض اجتماعی بخودی خود جزئی از فرآیند درمان و نخستین گام به سوی رهایی از استراتژی تسلط است. مدرسه جامعه شناسی درد و رنج (10) تأثیرات مثبت این روان درمانی جمعی را به ما می آموزد که در عین حال راهی برای رهایی سیاسی نیز هست :

1. درک دلایل درد از تأثیرات آن می کاهد. تأثیرات فوری.
 2. تحلیل جمعی درد و رنج را به شکل محلول درآورده و ما به سرنوشت مشترک خودمان آگاه می شویم.
 3. تأملات جمعی ما را به حرکات جمعی هدایت می کند و سپس با آگاهی به ضرورت از بین بردن ریشه درد و رنج برای بسیج جمعی و سازماندهی خودمان اقدام خواهیم کرد.
- در اینجا دلایل و علائم بیماری تشخیص داده شده، آنچه بر جامانده کار بست روش درمانی ست.

Source: [Investig'Action](#)

Bibliographie :

- BEAU Nicolas, BOURGET Jean-Marie, *Le vilain petit Qatar: cet ami qui nous veut du mal*, Fayard, 2013.
- BENOT Yves, *Massacres coloniaux : 1944-1950 : la IV^e République et la mise au pas des colonies françaises*, Paris, éd. La Découverte, 2001.
- Bensaada Ahmed, *Arabesque\$. Enquête sur le rôle des États-Unis dans les révoltes arabes*, Investig'Action, 2015.
- BOUAMAMA Saïd, *Figures de la révolution africaine. De Kenyatta à Sankara*, La Découverte, 2014.
- BURKE Jason, *Al-Qaïda, la véritable histoire de l'islam radical*, La Découverte.
- CHOMSKY Noam, *Israël, Palestine, États-Unis : Le triangle fatidique*, Édition remise à jour en mars 1999.
- CHOUET Alain, *Au cœur des services spéciaux. La menace islamiste : fausses pistes et vrais dangers*. Éditions La Découverte, 2011.
- CHOUET Alain (ancien chef du service de renseignement de sécurité de la DGSE), blog présentant ses analyses : <http://alain.chouet.free.fr/>
- COLLON Michel, *Libye, OTAN et médiamensonges : Manuel de contre-propagande*, Investig'Action, 2011.
- FAURE Claude, *Aux Services de la République, du BCRA à la DGSE*, Fayard, 2004.
- FOULQUIER Jean-Michel, *Arabie séoudite, la dictature protégée*, Éditions Albin Michel, 1995.
- GUISNEL Jean, KAUFFER Rémi, FALIGOT Roger, *Histoire politique des services secrets français*, La Découverte (2012)
- GUISNEL Jean, FALIGOT Roger, *Histoire secrète de la V^e République*, La Découverte, 2006.
- HASSAN Mohamed et LALIEU Grégoire, *Jihad Made in USA*, Investig'Action, 2014.
- HASSAN Mohamed, COLLON Michel et LALIEU Grégoire, *La Stratégie du chaos, impérialisme et Islam*, Investig'Action, 2011.
- HAYEZ Philippe, COUSSERAN Jean-Claude, *Renseigner les démocraties, renseigner en démocratie*, Odile Jacob, 2015.
- JOHNSON Ian, *Une mosquée à Munich. Les nazis, la CIA et la montée des Frères musulmans en Occident*, JC Lattès, 2011.
- KROPP Pascal, *Les Secrets de l'espionnage français*, Lattes, 1993.
- KIMYONGÜR Bahar, *Syriana, la conquête continue*, Investig'Action, 2011
- LABEVIERE Richard, *Les dollars de la terreur – Les États-Unis et les islamistes*, Editions Grasset, 1998.
- LABEVIERE Richard, *Les Couloirs de la terreur*, Éditions Grasset, 2003.
- LABEVIERE Richard, *Vérités et mythologies du 11 septembre 2001*, Nouveau-Monde Editions, 2011.
- MANIQUET Xavier, *French bomber : Enfin la vérité sur le Rainbow Warrior*, Michalon, 2007.
- MARTINET Pierre, *Cellule delta : Au sein des services secrets, certains ont le permis de tuer*, Flammarion, , 263 p.
- MELNIK Constantin, *La mort était leur mission : Le service Action pendant la guerre d'Algérie*, Plon, 223 p.

- MERVEILLEUX DU VIGNAUX Sophie, *Désinformation et services spéciaux*, Rocher, 2007.
- MILLET Damien, *L'Afrique sans dette*, Syllepse, 2006.
- MOYO Dambisa, *L'aide fatale : Les ravages d'une aide inutile et de nouvelles solutions pour l'Afrique*, Jean-Claude Lattès, 2009.
- NOUZILLE Vincent, *Les Tueurs de la République*, Fayard, 2015.
- SASSI Jean et TREMBLAIS Jean-Louis, *Opérations spéciales, 20 ans de guerres secrètes : Résistance, Indochine, Algérie*, Paris, Nimrod, 335 p.
- STORA Benjamin, *Histoire de l'Algérie coloniale (1830-1954)*, Paris, éd. La Découverte, 1991.
- STORA Benjamin, *La Gangrène de l'oubli – La mémoire de la guerre d'Algérie*, Paris, éd. La Découverte, 1998 et 2005.
- STORA Benjamin, *Le Transfert d'une mémoire – De l'« Algérie française » au racisme anti-arabe*, Paris, éd. La Découverte, 1999.
- VERSCHAVE François-Xavier, *La Françafrique : Le plus long scandale de la République*, 1998, Stock, 380 p.
- VERSCHAVE François-Xavier, *De la Françafrique à la Mafrafrique*, 2004, Tribord, 72 p.
- VERSCHAVE François-Xavier, *Au mépris des peuples : Le néolonialisme franco-africain*, entretien avec Philippe Hauser, 2004, La Fabrique, 120 p.
- VERSCHAVE François-Xavier, *Complicité de génocide ? La politique de la France au Rwanda*, 1994, La Découverte, 178 p.
- VERSCHAVE François-Xavier, *L'horreur qui nous prend au visage : L'État français et le génocide, Rapport de la Commission d'enquête citoyenne sur le rôle de la France dans le génocide des Tutsi au Rwanda*, avec Laure Coret, 2005, Karthala, 586

NOTES:

[1] . Pierre KHALFA, « [La laïcité à l'épreuve](#) », *France.attac.org*, 29 mars 2016.

[2] . Jean-Jacques LOUARN, « [Attentats: compassion sélective des Africains?](#) », *Rfi.fr*, 19 novembre 2015.

[3] . Elhadji Ibrahima THIAM, « [Expansion de l'extrémisme religieux en Afrique : Pr Bakary Samb appelle les gouvernants à revoir les orientations éducatives](#) », *Bakarysambe.unblog.fr*, 10 décembre 2015.

[4] . HASSAN Mohamed et LALIEU Grégoire, *Jihad Made in USA, Investig'Action*, 2014, p. 106-107.

[5] . Olivier ROY, « [Olivier Roy : « Le djihadisme est une révolte générationnelle et nihiliste](#) », *Lemonde.fr*, 24 novembre 2015.

[6] . Élodie GUEGUEN, « [220 Françaises parties faire le djihad, un chiffre en hausse constante](#) », *Franceinfo.fr*, 7 janvier 2016.

[7] . *Idem*.

[8] . Olivier ROY, *Idem*.

[9] . Saïd BOUAMAMA, lors de la conférence « Terrorisme et conflits au Moyen-Orient : la solution est-elle militaire ? », le jeudi 21 avril 2016 à la faculté de Médecine de l'ULB à Bruxelles.

[10] . Analyse apportée par le sociologue de l'immigration et des quartiers populaires Saïd BOUAMAMA, lors de la même conférence.

لینک متن اصلی :

<http://www.investigaction.net/la-france-sponsor-des-terroristes-linepuisable-terreau-1010/>

ترجمہ حمید محوی

ضمیمه

گاهنامه هنر و مبارزه

2 مارس 2012

فرانسه برای بازپس گیری 18 مأمور نظامی خود با

سوریه مذاکره می کند

به گزارش شبکه ولتر

ترجمه توسط حمید محوی

par Réseau Voltaire



Mondialisation.ca, Le 27 février 2012

voltairenet.org

13 فوریه 2012 تی پری میسان در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی روسیه درباره زندانی شدن ده ها نظامی فرانسوی توسط سوریه مطالبی را مطرح کرد، و امروز شبکه ولتر نیز می تواند تأیید کند که به تاریخ 26 فوریه، شمار زندانیان فرانسوی در سوریه به 18 نفر رسیده است.

اگر پاریس بپذیرد که آنها را برای مأموریت فرستاده بوده، در این صورت آنها به عنوان اسیر جنگی بازشناسی شده و منشور ژنو شامل حال آنها خواهد شد. ولی اگر پاریس تأیید نکند که آنها را برای مأموریت فرستاده بوده، در این صورت به عنوان افراد خارجی که مرتکب جنایت شده اند در سوریه محاکمه شده و حکم مرگ در انتظار آنها خواهد بود.

فرانسه از سه جانب با سوریه وارد مذاکره شده است : فدراسیون روسیه، امارات متحده عربی و سلطان عمان.

سفیر فرانسه، اریک شوالیه، فوراً به دمشق رفت. کوفی عنان نیز به عنوان میانجی گر سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب فراخوانده شده است. با آگاهی به کاربرد و اهمیت چنین رویدادی در مجاورت انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه، دمشق از رسانه های رسمی خواسته است که موقتاً از انتشار چنین خبری خودداری کنند. بر این اساس دمشق می خواهد با انتخاب حل و فصل مخفیانه این مسئله، دست بالا را در اختیار داشته باشد.

با پذیرش خصوصیت استثنائی این وضعیت، روزنامه نگاران سوریه که بر اساس قوانین نوین خیلی زود به آزادی بیان عادت کرده بودند، از چنین محدودیت هایی که دوباره به بهانه امنیت ملی مطرح گردیده، شاکی هستند. اگر مذاکرات به شکل سری برگزار شود، فرانسه باید مخفیانه خسارات جنگی را با پول نقد و یا امتیازات اقتصادی بپردازد که فوق العاده سنگین به نظر می رسد.

اگر این موضوع به شکل رسمی افشا شود، فرانسه می تواند خسارات کمتری بپردازد، ولی نیکلا سرکوزی و آلن ژوپه باید پاسخگوی افکار عمومی هم وطنانشان نیز باشند، و اردوی آنها شانس انتخاباتی خود را از دست خواهد داد، و رئیس جمهور حتی در خطر محاکمه در برابر دیوان عالی قرار خواهد گرفت (ماده 35 و 68 قانون اساسی).

مسئله ای که در سال 1985 در مورد کشتی به نام «ریمبو واریو» (جنگجوی رنگین کمان) پیش آمد، کشتی غرق شد و یک نفر نیز کشته شد، فرانسه رسماً درخواست بخشایش کرد، و 7 میلیون دلار خسارت به زلاند جدید، و هشت میلیون و شانزده هزار دلار به «گرین پیس» پرداخت کرد. پاریس در عین حال جواز وارد کردن گوسفند زلاند جدید را صادر کرد و بعضاً مجبور شد تولید گوسفند خود را نیز متوقف کند. در مقابل، دو مأمور فرانسوی که به اسارت درآمده بودند آزاد شدند.

در جنگ سری علیه سوریه، فرانسه و هم پیمانانش مسئول این جنگ بوده و منجر به کشته شدن دست کم 3000 سرباز ارتش سوریه و 1500 شهروند غیر نظامی شده است، و علاوه بر این باید خسارات اقتصادی و تخریب ساختمان ها و زیر بناهای کشور را نیز به آن اضافه کرد که بالغ بر 3 میلیارد دلار می باشد.

مأخذ :

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=29515>

گاهنامه هنر و مبارزه
7 مارس 2012

فرانسه سانسور نظامی برقرار کرده است

گزارش توسط شبکه ولتر
ترجمه توسط حمید محوی



Mondialisation.ca, Le 5 mars 2012

voltairenet.org



تلویزیون رسمی سوریه در اواسط روز شنبه 3 مارس 2012 گزارشات را که دو هفته پیش توسط شبکه ولتر منتشر شده بود، تأیید کرد: ارتش ملی سوریه 18 مأمور فرانسوی را در حمص به اسارت گرفت، و نوزدهمین مأمور فرانسوی نیز در عزوز (منطقه ای در نزدیکی مرز ترکیه) دستگیر شد.

تأیید چنین گزارشی به این معنا است که مذاکرات بین پاریس و دمشق با شکست مواجه شده، و سوریه بر آن است تا با علنی ساختن چنین رویدادی فرانسه را تحت فشار قرار دهد.

از 14 فوریه، گزارشات ما به شکل گسترده در رسانه های بین المللی مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته است، ولی به جز فرانسه. موضوع دشواری های رسانه های فرانسوی در مورد چنین رویداد حساسی قابل درک است.

نشریات ترکیه دستگیری 19 مأمور فرانسوی را تأیید کرده و معترف شدند که چهار مأمور ترکیه نیز با آنها بوده است، در حالی که آنکارا در 7 فوریه تعهداتی را مبنی بر بیرون کشیدن تمام نیروهایش به ازای باز پس گیری 49 زندانی پذیرفته بود.

در تلویزیون لبنانی، ال-مانار، محمد دیرار جامو از گفتگوی بین وزیر امور خارجه فرانسه و همکار سعودی او در حاشیه کنفرانس تونس گزارش داده است. شاهزاده سعود الفیصل بن عبدالعزیز آل سعود اظهار تأسف کرد که فرانسه شورای ملی سوریه را به عنوان نماینده رسمی سوریه بازشناسی نکرده است. آلن ژوپه به او پاسخ می گوید که : «اگر این کار را انجام دهم، چه کسی سربازان ما را آزاد خواهد کرد؟»

به هر جهت، امروز صبح نشریات فرانسه هنوز در این مورد سکوتشان را ادامه دادند، در حالی این خبر در همه جا منتشر شده است. چنین رفتاری حاکی از برقراری حکومت نظامی - سانسور نظامی در نشریات است. در نیم قرن پیش از این، چنین اقداماتی طی جنگ الجزائر به جریان امپریالیست اجازه داد که رویدادها تنها چند دهه بعد در فرانسه به آگاهی عمومی برسد(به عنوان مثال، قتل عام الجزائری ها در پاریس، روز 17 اکتبر 1961).

پرسشی که در اینجا باید مطرح کنیم، این است که آیا رئیس جمهور سرکوزی به دلیل منافع ملی یا به دلایل شخصی این سانسور نظامی را برقرار کرده است، یعنی اجتناب از گزارش خبر جنگ سرتی علیه سوریه که بر اساس نقض قانون اساسی فرانسه انجام گرفته است.

احتمالاً فرانسوی ها در دور اول و دوم در 22 آوریل و 6 می 2012 رئیس جمهور دیگری را انتخاب خواهند کرد.

منبع :

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=2962>
3